

فهرست



- ٥ الدرس الأول: أهلاً و سهلاً
- ٣٤ الدرس الثاني: العبور الآمن
- ٦١ الدرس الثالث: جسر الصداقة
- ٨٥ الدرس الرابع: الصبر مفتاح الفرج
- ١١٠ الدرس الخامس: الرجاء
- ١٣٥ الدرس السادس: تغيير الحياة
- ١٥٩ الدرس السابع: ثمرة الجِدِّ
- ١٨٦ الدرس الثامن: حوار بين الزائر و سائق سيارة الأجرة
- ٢١٢ الدرس التاسع: نُصوص حول الصحة
- ٢٣٨ الدرس العاشر: رسالة الشهيد سليمان



أَهْلًا وَسَهْلًا

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

متن درس و ترجمه واژه به واژه و روان

يَبْتَدِي	الْعَام	الدَّرَاسِي	الْجَدِيدُ	يَذْهَبُ	الطَّلَابُ	وَ	الطَّالِبَاتُ	إِلَى	الْمَدْرَسَةِ	بِفَرَحٍ
شروع می شود	سال	تحصیلی	جدید	می رود [می روند]	دانش آموزان [پسر]	و	دانش آموزان [دختر]	به	مدرسه	با خوشحالی

سال تحصیلی جدید شروع می شود. دانش آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می روند؛

هُمْ	يَحْمِلُونَ	حَقَائِبَهُمْ	و يَمْشُونَ	عَلَى	الرَّصِيفِ	و يَغْتَبِرُونَ	مَمَرٌ	الْمَشَاةِ	لِلْعُبُورِ	الْأَيْمَنِ	السَّوَارِعِ	مَفْلُوءَةً	بِالْبَنِينَ	و النِّبَاتِ.
آن ها	حمل می کنند	کیف هایشان	و	راه	بر	عبور می کنند	گذرگاه	پیاده رو	برای عبور	ایمن	خیابان ها	پراز	پسران	و دختران
	(می برند)			می روند					و مرور					[است]

آن ها کیف هایشان را [با خود] حمل می کنند و در پیاده رو راه می روند و برای عبور و مرور ایمن از گذرگاه پیاده رد می شوند (عبور می کنند)؛
خیابان ها پراز پسران و دختران است.

يَبْتَدِي	فَضْلُ	الدَّرَاسَةِ	و	الْقِرَاءَةِ	و	الْكِتَابَةِ	و	فَضْلُ	الصَّدَاقَةِ	بَيْنَ	التَّلَامِيذِ.
شروع می شود	فصل (زمان)	تحصیل	و	خواندن	و	نوشتن	و	فصل (زمان)	دوستی	میان	دانش آموزان

فصل تحصیل، خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود.

بِسْمِ	اللَّهِ	الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ
به نام	خداوند	بسیار بخشنده	مهربان

با نام خداوند بسیار بخشنده مهربان [تحصیل را شروع می کنم].

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	كَلَامِي	أَذْكُرُ	رَبِّي	عِنْدَ	قِيَامِي
شروع می کنم	به نام	خداوند	سخنم [را]	یاد می کنم	پروردگارم [را]	هنگام	برخاستم

سخنم را با نام خداوند شروع می کنم. هنگام برخاستم پروردگارم را یاد می کنم.

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللَّهِ	دُرُوسِي	أَذْكُرُ	رَبِّي	عِنْدَ	جُلُوسِي
شروع می کنم	به نام	خدا	درس هایم [را]	یاد می کنم	پروردگارم [را]	هنگام	نشستم

درس هایم را با نام خدا شروع می کنم. هنگام نشستم پروردگارم را یاد می کنم.

اَفْرَأُ	بِاسْمِ	اللّٰهُ	كِتَابِي	أَسْأَلُ	رَبِّي	حَلَّ	صِعَابِي
می خوانم	به نام	خدا	کتابم [را]	درخواست می کنم	[از] پروردگارم	حل	سختی هایم
کتابم را با نام خدا می خوانم.				حل (برطرف ساختن) سختی هایم را از پروردگارم درخواست می کنم.			

مَكْتَبُنَا	نُورٌ	وَ	حَيَاةٌ	فِيهِ	دُعَاءٌ	فِيهِ	صَلَاةٌ
آیین ما	روشنایی	و	زندگی [است]	در آن	دعا [است]	در آن	نماز [است]
آیین (دین) ما [سراسر] روشنایی و زندگی است.				در آن دعا است، در آن نماز است.			

فِيهِ	عُلُومٌ	فِيهِ	كَمَالٌ	فِيهِ	كُنُوزٌ	فِيهِ	جَمَالٌ
در آن	دانش ها [است]	در آن	کمال [است]	در آن	گنج ها [است]	در آن	زیبایی [است]
در آن دانش ها است، در آن رشد و کمال است.				در آن گنج ها است، در آن زیبایی است.			

يَتَخَرَّجُ	مِنْهُ	الْعُلَمَاءُ	وَ	يُدْرَسُ	فِيهِ	الْحُكَمَاءُ
دانش آموخته می شود	از آن	اندیشمندان	و	درس می دهد	در آن	دانیان
اندیشمندان از آن (آیین) دانش آموخته می شوند.				و دانیان در آن درس ادانی و زندگی می دهند.		

ها	كُتِبِي	أَنْوَارٌ	سَمَائِي	مَرْحَمَةٌ	كَنْزٌ	كِدَوَائِي
هان	کتاب هایم	روشنایی های	آسمانم [هستند]	مهربانی	گنج	مانند دارویم [هستند]
هان [آگاه باش که]، کتاب هایم روشنایی های آسمان [زندگی ام] هستند.				[آری] مهربانی و گنج [هستند] و مانند دارویم [هستند].		

أَبْدَأُ	بِاسْمِ	اللّٰهُ	أُمُورِي	فَاسْمُ	إِلَهِي	زَادَ	سُرُورِي
شروع می کنم	به نام	خدا	کارهایم [را]	بنابراین، نام	خدایم	افزود	خوشحالی ام [را]
کارهایم را با نام خداوند آغاز می کنم.				چرا که ادر آغاز هر کاری [نام خدایم خوشحالی ام را افزایش می دهد.			

واژگان جدید و بررسی آن ها

آمین: ایمن	إِبْتَدَأَ: شروع شد (ماضی) / يَبْتَدِئُ (مضارع)
أَتَمَّنِي: آرزو می کنم (مضارع)	الْعُبُورُ الْأَمِينُ: عبور و مرور ایمن (ترکیب وصفی ^۲ ← موصوف
بَنِينَ: پسران (اسم، جمع، مذکر)	+ صفت / اسم + اسم)
تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد (ماضی) / يَتَخَرَّجُ (مضارع)	تَلَامِيذُ: دانش آموزان (اسم، مذکر، مفرد آن، تَلْمِيز)
خَذَ: بگیر، بردار، ببر / أَخَذَ (ماضی) / يَأْخُذُ (مضارع)	دِرَاسَةٌ: تحصیل، درس خواندن (اسم، مؤنث، مصدر)
دِرَاسِيّ: تحصیلی (اسم، مذکر)	دَرَسَ: درس داد (ماضی) / يُدْرَسُ (مضارع)
ذَهَابُ: رفتن (مصدر)	تُرِيدُونَ الذَّهَابَ: می خواهید بروید

۱- واژگان جدید (فعل، اسم و حرف) به ترتیب الفبایی (از «الف» تا «ی، پ») مرتب شده است.

۲- در ترکیب وصفی (موصوف و صفت) هر دو کلمه، اسم هستند و فعل و حرف نیستند؛ مانند: العبور (اسم) + الامن (اسم).

زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد (ماضی) / يَزِيدُ (مضارع)	رَصِيف: پیاده‌رو (اسم، مذکر)
سَاعَدَكَ اللَّهُ: خدا قوت / سَاعَدَ (ماضی) / يُسَاعِدُ (مضارع)	زَارَ: زیارت کرد (ماضی) / يَزُورُ (مضارع)
صِعَاب: سختی‌ها (اسم، مذکر، مفرد آن: صُعْب)	سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید (ماضی) / يَسْأَلُ (مضارع)
عَامُ دِرَاسِي: سال تحصیلی (ترکیب وصفی)	عَام: سال (اسم، مذکر)
مُسْتَشْفَى: بیمارستان (اسم مکان)	قِيَام: برخاستن (اسم، مذکر، مصدر)
مَمَرُ الْمَشَاة: گذرگاه پیاده (ترکیب اضافی ← مضاف + مضاف‌الیه)	مَمَاة: مرگ (اسم، مؤنث)
مِنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمَرُور: پارک آموزش ترافیک	مُشَاة: پیادگان / مفرد آن: مَاشِي
بَقِيَ: می‌مانیم / بَقِيَ (ماضی)	مَوْقِف: ایستگاه (اسم مکان)
يُحَذِّرُ: هشدار می‌دهد / حَذَّرَ (ماضی)	هَانَ: حرف تنبیه و آگاهی‌دادن
	يَمْشُونَ: راه می‌روند / مَشَى (ماضی)

توضیح واژه‌ها به زبان عربی

- الْتَحَرُّجُ ← إتمام أَيْامِ الدَّرَاسَةِ فِي الْجَامِعَةِ وَ الْخُرُوجُ مِنْهَا. (به پایان رساندن دوران تحصیل در دانشگاه و بیرون آمدن از آن است.)
- الْتَّلْمِيزُ ← هُوَ الَّذِي يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ يَدْرُسُ فِيهَا. (او کسی است که به مدرسه می‌رود و در آن [جا] درس می‌خواند.)
- الْحَقِيقَةُ ← شَيْءٌ يَحْمِلُ التَّلَامِيزُ مَعَهُمْ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ فِيهَا كُتُبُهُمْ وَ دَفَاتِرُهُمْ وَ أَقْلَامُهُمْ. (چیزی است که دانش‌آموزان با خودشان به مدرسه می‌برند و در آن کتاب‌ها، دفترها و قلم‌هایشان است.)
- الرَّصِيفُ ← جَانِبُ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ. (سمتی از خیابان برای عبور مردم)
- الْمَصْفُ ← مَكَانٌ يَدْرُسُ فِيهِ التَّلَامِيزُ وَ الطَّلَابُ. (مکانی است که در آن دانش‌آموزان و دانشجویان درس می‌خوانند.)
- الْمَصِيفُ ← هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ. (او کسی است که با دعوت یا بدون دعوت وارد خانه می‌شود.)
- الْعَامُ الدِّرَاسِي ← أَيْامُ الدَّرَاسَةِ وَ التَّحْصِيلِ الْعِلْمِيِّ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ الْجَامِعَةِ مِنْ شَهْرِ مَهْرٍ إِلَى شَهْرِ خَرَدَادٍ. (روزهای درس‌خواندن و تحصیل علمی در مدرسه و دانشگاه از ماه مهر تا ماه خرداد است.)
- الْغَابَةُ ← أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. (زمینی پهناور که در آن درختان فراوانی است.)
- الْغُرَابُ ← طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ. (پرنده‌ای سیاه‌رنگ است.)
- الْفَاكِهَةُ ← ثَمَرَةُ الْأَشْجَارِ عَلَى الْغُصُونِ. (میوه درختان بر روی شاخه‌هاست.)
- الْفَلَاخُ ← هُوَ الَّذِي يَغْمَلُ الزَّرَاعَةَ. (کسی که کار کشاورزی انجام می‌دهد.)
- كُرَّةُ الْقَدَمِ ← رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا إِثْنَانِ وَ عَشْرُونَ لَاعِبًا. (ورزشی است که در آن بیست و دو بازیکن بازی می‌کنند.)
- الْكَوْكَبُ ← جِزْمٌ سَمَاوِيٌّ يُنِيرُ السَّمَاءَ بِنُورِهِ كَأَنَّهُ مِصْبَاحٌ. (جرم آسمانی است که با نورش آسمان را روشن می‌کند، گویی که چراغ است.)
- الْمَحَافِظَةُ ← مَجْمُوعَةُ مِنَ الْمُدُنِ فِي بِلَادٍ. (مجموعه‌ای از شهرها در کشوری است.)
- الْمَدْرَسُ ← هُوَ الَّذِي يَدْرُسُ فِي الْمَدْرَسَةِ وَ الْجَامِعَةِ. (او کسی است که در مدرسه و دانشگاه درس می‌دهد.)
- الْمَسَاءُ ← وَقْتُ نِهَايَةِ النَّهَارِ وَ بَدَايَةِ اللَّيْلِ. (زمان پایان روز و آغاز شب است.)
- الْمَطْعَمُ ← مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَ الْعَدَاءَ وَ الْعِشَاءَ. (مکانی که مردم در آن صبحانه، ناهار و شام می‌خورند.)
- الْمَوْقِفُ ← مَكَانٌ تَوَقَّفَ الْقَطَارُ أَوْ الْحَافِلَةُ. (مکان ایستادن قطار یا اتوبوس)

واژگان مترادف

جدید	=	حدیث (نو)	جَلَبَ	=	آتَی (آورد)
جلوس	=	قُعُود (نشستن)	حَبِيب	=	صَدِيق (دوست)
حقائب	=	مِخْفَظَات (کیف‌ها)	خَيْر	=	أَفْضَل (بهتر، بهترین)
زاد	=	أَضَافَ (افزود)	سَاعَدَ	=	أَعَانَ (کمک کرد)
صعاب	=	مَصَائِب، مَشَاكِل (سختی‌ها)	طَالِبَات	=	تَلْمِیذَات (دانش‌آموزان دختر)
طریق	=	سَبِيل (راه)	طَلَّاب	=	تَلْمِیذ (دانش‌آموزان پسر)
عام	=	سَنَة (سال)	عَبِيب	=	سَتَر، خَفَاء (پنهان)
فَرَح	=	سُرُور (شادی)	فَوَاحِیْه	=	ثَمَرَات (میوه‌ها)
کَتَمَ	=	سَتَرَ، أَخْفَى (پنهان کرد)	کَلَام	=	حَدِیث، قَوْل (سخن)
لا یُظْلِمُ	=	لا یَتَعَدَّى (ستم نمی‌کند)	مَرْقَد	=	مَقْبَرَة (آرامگاه)
نُجُوم	=	کَوَاكِب (ستارگان)	نور	=	ضِیَاء (روشنایی)
ها	=	أَلَا (هان)	یَأْكُلُ	=	یَتَنَاوَلُ (می‌خورد)
یَحْزَنُ	=	یَحْفَظُ (حفظ می‌کند)	یَغْفِرُ	=	یَغْفُو (می‌آمرزد)

واژگان متضاد

إِبْتَدَأَ (شروع شد)	✖	إِنْتَهَى (تمام شد)	أَذْكَرُ (به یاد می‌آورم)	✖	أَنْسَى (فراموش می‌کنم)
أَسْأَلُ (می‌پرسم)	✖	أَجِيبَ (پاسخ می‌دهم)	أَكْثَرُ (بیشتر، بیشترین)	✖	أَقَلَّ (کم‌تر، کم‌ترین)
بارِد (سرد)	✖	حَارَ (گرم)	بَدَايَة (آغاز)	✖	نِهَايَة (پایان)
بَعِيد (دور)	✖	قَرِيب (نزدیک)	بَيْعَ (فروش)	✖	شِرَاء (خرید)
جَاهِل (نادان)	✖	عَالِم، عَاقِل (دانا)	جَدِيد (نو)	✖	قَدِيم (کهنه)
أَلْحَسَنَات (نیکی‌ها)	✖	أَلْسَيِّئَات (بدی‌ها)	جُلُوس (نشستن)	✖	قِيَام (برخاستن)
حَقَّ (حق)	✖	بَاطِل (باطل)	حَيَاة (زندگی)	✖	مَمَات (مرگ)
خَيْرَ (بهتر، بهترین)	✖	شَرَّ (بدتر، بدترین)	رَخِيسَة (ارزان)	✖	غَالِيَة (گران)
زَادَ (زیاد شد)	✖	نَقَصَ (کم شد)	صَدَاقَة (دوستی)	✖	عَدَاوَة (دشمنی)
صَدَقَ (راست گفت)	✖	كَذَبَ (دروغ گفت)	صَغَرُ (کودکی)	✖	كَبُرَ (بزرگسالی)
فَرَحَ (شادی)	✖	حُزَن (ناراحتی)	قَبِيحَ (زشت)	✖	جَمِيلَ (زیبا)
قَلِيلَ (اندک)	✖	كَثِيرَ (زیاد)	كَتَمَ (پوشاند)	✖	أَعْلَنَ، أَظْهَرَ (آشکار کرد)
لَكَ (به سود تو)	✖	عَلَيْكَ (به زیان تو)	لَيْلَ (شب)	✖	نَهَارَ (روز)
مَجْهُولَاتَن (ناشناخته‌ها)	✖	مَعْرُوفَاتَن، مَعْلُومَاتَن (شناخته‌شده‌ها)	مُشَاة (پیادگان)	✖	رَاكِبُونَ، رُكَّاب (سواره‌ها)
مَمَات (مرگ)	✖	حَيَاة (زندگی)	مَعْرُوفَ (شناخته‌شده)	✖	مَجْهُولَ (ناشناخته)
مَمْلُوءَة (پر)	✖	خَالِيَة (خالی)	نور (روشنایی)	✖	ظُلْمَة (تاریکی)
يَحْزَنُونَ (ناراحت می‌شوند)	✖	يَفْرَحُونَ، يَسْرُونَ (شاد می‌شوند)	يَسَارَ (چپ)	✖	يَمِينَ (راست)

جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها

کلمه (جمع)	مفرد	ترجمه
خَطَايَا	خَطِيئَةٌ	اشتباه، گناه
دُرُوس	دَرْس	درس
ذُنُوب	ذَنْب	گناه
شَوَارِع	شارِع	خیابان
صِعَاب	صَعْب	سختی
طُلَّاب	طَالِب	دانش آموز
عُلَمَاء	عَلِيم، عَالِم	دانشمند
غُلُوم	عِلْم	دانش
فَوَاكِه	فاكِهَة	میوه
كُنُوز	كَنْز	گنج
مُشَاة	ماشِي	پیاده
نُجُوم	نَجْم	ستاره

کلمه (جمع)	مفرد	ترجمه
أَشْجَار	شَجَر	درخت
أَمْثَال	مَثَل	مثل، ضرب‌المثل
أُمُور	أَمْر	کار
أَنْفُس	نَفْس	نفس، خود
أَنْوَار	نور	روشنایی
أُورَاق	وَرَق	برگ
أَوْلِيَاء	وَلِي	دوست، یار، سرپرست
تَلَامِيذ	تَلْمِيذ	دانش آموز
جِبَال	جَبَل	کوه
حَقَائِب	حَقِيبَة	کیف
حُكَمَاء	حَكِيم	دانشمند، دانا
خَوَائِج	حَاجَة	نیاز

کلماتی که ممکن است با هم اشتباه شوند



السَّيْت: شنبه / الثَّيْت: ثبت کردن
 جَنَّة: بهشت، باغ / جِنَّة: جن
 دَهَب: رفت / ذَهَب: طلا
 سَبْع: هفت / أُسْبُوع: هفته
 سَنَة: سال / سُنَّة: روش، سنت
 ظَهْر: ظهر، نیم‌روز / ظَهْر: پشت
 عِلْم: یاد داد / تَعَلَّمَ: یاد گرفت
 غَايَة: جنگل / غَايَة: پایان، هدف
 غَرِيب: غریب، بیگانه / قَرِيب: نزدیک
 مَثَل: ضرب‌المثل / مَثَل: مانند
 مَسَاء: غروب، شب / سَمَاء: آسمان
 يَخْرُسُ: نگه می‌دارد / يَخْرُسُ: حرص می‌ورزد

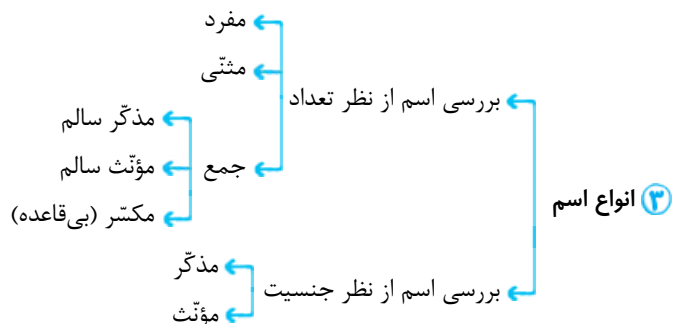
أُسْرَة: خانواده / أُسْوَة: نمونه، الگو / أَسْوَد: سیاه
 تَخْرُج: دانش‌آموخته شد / تَخْرُج: خارج می‌شوی / تُخْرُج: خارج می‌کنی
 دَرْس: درس خواند / دَرْس: درس داد
 سَأَلَ: پرسید، درخواست کرد / سَأَلَ: روان شد، سیل آمد
 سَمِعَ: شنید / سَمَحَ: اجازه داد
 صَيِّف: تابستان / صَيِّف: مهمان / سَيِّف: شمشیر
 عَامِل: کارگر / آمِل: امیدوار
 عَيْن: چشم، چشمه / أَيْن: کجا
 غَدَاء: ناهار / غِذَاء: غذا خوردن
 كَان: گویا که، انگار / كَان: بود
 مَدْرَسَة: مدرسه / مَدْرَسَة: خانم معلم
 نَهَار: روز / نَهْر: رودخانه / أَنْهَار: رودخانه‌ها
 يَغْمَلُ: می‌داند / يَغْمَلُ: کار می‌کند

توجه: مطالبی که به عنوان درس نامه در این درس ذکر شده، یادآوری و خلاصه قواعد کتاب های هفتم و هشتم است که باید به عنوان دانسته های قبلی و سنگ زیرینا، خوب خوب بدانید تا بتوانید در درس های بعدی نیز ساختمان ذهن و اندیشه تان را به درستی بسازید!

درس نامه: آشنایی با قواعد و ساختار کلمه

- ① یک متن از تعدادی عبارت تشکیل شده و یک عبارت از تعدادی کلمه ساخته شده است و کلمه، خود اقسامی دارد: اسم، فعل و حرف.
- ➔ **اسم:** اسم، برای نامیدن اشیا و موجودات به کار می رود؛ مانند: لسان (زبان) - سماء (آسمان) - مُحَافَظَة (استان) - لَوْحَة (تابلو) - هُنَّ (آن زنان) - مُجَالَسَة (همنشینی) - هَوْلَاء (این ها، اینان) - كِتَابَة (نوشتن) - مَنْ (چه کسی، هر کس، کسی که)
- ➔ **فعل:** فعل، انجام دادن کاری و داشتن حالتی را در یکی از زمان ها نشان می دهد؛ مانند: كَتَبْتُمْ (نوشتید) - ما ذَهَبْنَا (نرفتند) - نَأْخُذْ (می گیریم) - لا يَذْرُسُونَ (درس نمی خوانند) - سَوْفَ أَنْصُرُ (یاری خواهم کرد)
- ➔ **حرف:** حرف، نقش ارتباطی میان اسم و فعل یا اسم و اسم یا فعل و فعل را در جمله اجرا می کند؛ مانند: إِنَّ (قطعاً) - أَنَّ (که) - وَ (و) - یا (ای) - إِلَّا (مگر، به جز) - أَلَا (هان) - لَكِنْ (ولی) - هَلْ (آیا) - أَمْ (یا) - إِلَى (به)

تکته: اگر بخواهیم آمار بگیریم که چه تعداد کلمه در ذهن و زبان داریم، باید بگوییم به تعداد هر موجود، اسم وجود دارد؛ یعنی بی نهایت اسم داریم و فعل، کار همان اسم هاست و حروف، تعدادشان بسیار اندک است (حدود ۵۰ حرف داریم).



- ④ **اسم مفرد:** اسمی است که بر یک موجود دلالت می کند و علامت خاصی ندارد؛ مانند: ید، کتاب، أرض، نِغْمَة، شارع، عَبَاءَة.
- ⑤ **اسم مثنی:** اسمی است که بر دو موجود دلالت می کند و راه ساختن آن این گونه است که «ان» یا «ین» به آخر اسم مفرد افزوده شده است. (مفرد + ان / ین)؛ مانند: کِتَابَانِ، یدَیْنِ، مُنْصَدَتَانِ، مُوْظَفَیْنِ، مَدْرَسَتَانِ.
- ⑥ **جمع مذکر سالم:** اسمی است مذکر که بر بیش از دو موجود دلالت می کند و به آخر اسم مفرد مذکر، «ون» یا «ین» افزوده شود. (مفرد + ون / ین)؛ مانند: الْمُسْلِمُونَ، الْمُؤْمِنُونَ، الْمُظْلَمُونَ، الْمُعْلَمُونَ، الْمُحِبُّونَ، الْفَلَاحُونَ.
- ⑦ **جمع مؤنث سالم:** اسمی است مؤنث که بر بیش از دو موجود مؤنث دلالت می کند و به آخر اسم مفرد مؤنث، «ات» افزوده می شود. (مفرد مؤنث + ات)؛ مانند: آیات، مُسْلِمَات، مُؤْمِنَات، خالات، حَسَنَات، بَیِّنَات.
- ⑧ **جمع مکسر:** اسمی است که بر بیش از دو موجود دلالت می کند و برای ساختن آن قاعده خاصی وجود ندارد و باید آن ها را حفظ کرد؛ مانند: مَلَاعِب (مُلْعَب، کُتُب (کتاب)، أَلْوَان (لَوْن)، مَصَابِيح (مُصْبِح)، سُور (سُورَة)، أَشْجَار (شَجَر)، ذُنُوب (ذَنْب)، حَوَائِج (حَاجَة)، بِلَاد (بَلَد)، أَوْلِيَاء (وَلِي).
- ⑨ **اسم مذکر:** بر انسان یا حیوان نر یا اشیائی که در انتهای اسم آن ها «ة» وجود ندارد، دلالت می کند و علامت خاصی در آخر آن ندارد؛ مانند: میثم، بهزاد، عالم، مَظْلُوم، ذَنْب، کَلْب، کِتَاب، قَلَم.
- ⑩ **اسم مؤنث:** بر انسان یا حیوان ماده یا اشیائی دلالت می کند که معمولاً آخرشان حرف «ة» دارند. (مؤنث: اسم + ة)؛ مَرِيَم، أُم، بَقَرَة، حَمَامَة، هَذِهِ، تِلْكَ، أَسْرَة، هَدِيَّة، أَلْسَلَامَة.

۱۱ اسم اشاره: برای اشاره به یک یا چند موجود دلالت می‌کند که نزدیک یا دور هستند. اسم‌های اشاره عبارت‌اند از: هذا (این)، هذِهِ (این)، ذَلِكَ (آن)، تِلْكَ (آن)، هَؤُلَاءِ (این‌ها)، أُولَئِكَ (آن‌ها)، هُنَا (این‌جا)، هُنَاكَ (آن‌جا)

برای اسم مفرد مذکر ← هذا، ذلِكَ
برای اسم جمع مذکر و مؤنث ← هَؤُلَاءِ، أُولَئِكَ
برای مکان ← هُنَا، هُنَاكَ

۱۲ به اسم‌هایی مانند: من، تو، او، ما، شما، ایشان (آن‌ها) ... در زبان فارسی اصطلاحاً ضمیر جدا گفته می‌شود و به اسم‌هایی مانند: ...م، ...ت، ...ش، ...مان، ...تان، ...شان، ضمیر پیوسته گفته می‌شود.

تکته: در زبان عربی به دلیل مفرد، مثنی و جمع و نیز مذکر و مؤنث بودن اسم‌ها، ضمیر (اسمی است که به جای اسم ظاهر می‌آید) در ۱۴ شکل و ساختار صرف می‌شود.

ضمیرهای جدا	من (أنا)	تو (أنت - أنتِ)	او (هو - هي)
(منفصل)	ما (نحن)	شما (أنتم - أنتن)	آن‌ها (هُما - هُم - هُنَّ)
ضمیرهای پیوسته	...م (ي)	...ت (كَ - لَ)	...ش (ه - ها)
(متصل)	...مان (نا)	...تان (كُما - كُنَّ)	...شان (هُم - هُما - هُنَّ)

۱۳ حال اگر بخواهیم ضمیرهای فارسی را به عربی بگوییم، این گونه است:

تکته: در زبان فارسی و انگلیسی صرف ۶ ضمیر و فعل به این ترتیب می‌آید: متکلم، مخاطب و غایب (رفتم، رفتی، رفت / رفتیم، رفتید، رفتند)
went, you went, he (she, it) went, we went, you went, they went
ولی در زبان عربی صرف ۱۴ ضمیر و فعل به این ترتیب می‌آید: غایب، مخاطب و متکلم.
بر این اساس صرف صیغه‌ها را هم می‌توان با توجه به زبان فارسی آورد و هم با توجه به زبان عربی.

فعل ماضی مثبت
فعل ماضی منفی
فعل مضارع مثبت
فعل مضارع منفی
فعل مستقبل

۱۴ فعل و اقسام آن

صرف ۱۴ صیغه فعل عربی با توجه به زبان فارسی از فعل نوشتن (کتابَة) در زمان ماضی این گونه است:

نوشتن (کَتَبْتُ) / نوشتی (کَتَبْتَ - کَتَبْتِ) / نوشت (کَتَبَ - کَتَبَتْ) / نوشتید (کَتَبْتُمَا - کَتَبْتُمْ - کَتَبْتُنَّ) / نوشتند (کَتَبُوا - کَتَبَتْ) - کَتَبُوا - کَتَبْتُمْ

مذکر غایب:	کَتَبَ (نوشت)	کَتَبَا	کَتَبُوا
مؤنث غایب:	کَتَبَتْ	کَتَبْتَا	کَتَبْنَ
مذکر مخاطب:	کَتَبْتَ	کَتَبْتُمَا	کَتَبْتُمْ
مؤنث مخاطب:	کَتَبْتِ	کَتَبْتُمَا	کَتَبْتُنَّ
مذکر یا مؤنث متکلم:	کَتَبْتُ	کَتَبْنَا	
مذکر غایب:	ما کَتَبَ (ننوشت)	ما کَتَبَا	ما کَتَبُوا
مؤنث غایب:	ما کَتَبَتْ	ما کَتَبْتَا	ما کَتَبْنَ
مذکر مخاطب:	ما کَتَبْتَ	ما کَتَبْتُمَا	ما کَتَبْتُمْ
مؤنث مخاطب:	ما کَتَبْتِ	ما کَتَبْتُمَا	ما کَتَبْتُنَّ
مذکر یا مؤنث متکلم:	ما کَتَبْتُ	ما کَتَبْنَا	

۱۵ فعل ماضی مثبت: کاری را که در زمان گذشته اتفاق افتاده است، بیان می‌کند و در ۱۴ شکل و ساختار در زبان عربی این گونه صرف می‌شود؛ مانند:

۱۶ فعل ماضی منفی: کاری را در زمان گذشته نمی‌کند و گزارش می‌دهد که اتفاق نیفتاده است. برای ساختن آن در زبان عربی حرف «ما» نفی را پیش از فعل ماضی می‌آوریم. (ما + ماضی)

نکته: یک «ما»ی دیگری وجود دارد به نام «ما»ی پرسشی به معنی «چه چیز؟» که با «ما»ی نفی تفاوت دارد: ما هذا؟ این چیست؟ / ما کُتِبَتْ؟ چه نوشتی؟

یَكْتُبُونَ	يَكْتُبَانِ	يَكْتُبُ (می نویسد)	مذکر غایب:	۱۷ فعل مضارع مثبت: کاری را که در زمان حال و آینده اتفاق می افتد بیان می کند و برای ساختن آن حروف مضارعه (ت، ی، ن، ا) را پیش از ماضی می آوریم. (ت، ی، ن، ا + ماضی)
يَكْتُبْنَ	تَكْتُبَانِ	تَكْتُبُ	مؤنث غایب:	
تَكْتُبُونَ	تَكْتُبَانِ	تَكْتُبُ	مذکر مخاطب:	
تَكْتُبْنَ	تَكْتُبَانِ	تَكْتُبِينَ	مؤنث مخاطب:	
	نَكْتُبُ	أَكْتُبُ	مذکر یا مؤنث متکلم:	
لَا يَكْتُبُونَ	لَا يَكْتُبَانِ	لَا يَكْتُبُ (نمی نویسد)	مذکر غایب:	۱۸ فعل مضارع منفی: انجام کاری را در زمان حال و آینده نفی می کند و گزارش می دهد که اتفاق نمی افتد و برای ساختن آن در زبان عربی حرف «لا»ی نفی را پیش از فعل مضارع می آوریم. (لا + مضارع)
لَا يَكْتُبْنَ	لَا تَكْتُبَانِ	لَا تَكْتُبُ	مؤنث غایب:	
لَا تَكْتُبُونَ	لَا تَكْتُبَانِ	لَا تَكْتُبُ	مذکر مخاطب:	
لَا تَكْتُبْنَ	لَا تَكْتُبَانِ	لَا تَكْتُبِينَ	مؤنث مخاطب:	
	لَا نَكْتُبُ	لَا أَكْتُبُ	مذکر یا مؤنث متکلم:	
سَيَكْتُبُونَ	سَيَكْتُبَانِ	سَيَكْتُبُ (خواهد نوشت)	مذکر غایب:	۱۹ فعل مستقبل: نشان دهنده کاری است که در زمان آینده دور یا نزدیک اتفاق خواهد افتاد. برای ساختن آن، حرف «سَ» (برای آینده نزدیک) یا «سَوْفَ» (برای آینده دور) را پیش از فعل مضارع می آوریم. (سَ / سَوْفَ + مضارع)
سَيَكْتُبْنَ	سَيَكْتُبَانِ	سَيَكْتُبُ	مؤنث غایب:	
سَيَكْتُبُونَ	سَيَكْتُبَانِ	سَيَكْتُبُ	مذکر مخاطب:	
سَيَكْتُبْنَ	سَيَكْتُبَانِ	سَيَكْتُبِينَ	مؤنث مخاطب:	
	سَنَكْتُبُ	سَأَكْتُبُ	مذکر یا مؤنث متکلم:	

۲۰ اگر فاعل (اسم بعد از فعل) مذکر باشد، فعل مذکر می آید و اگر مؤنث باشد، فعل مؤنث می آید:

ذَهَبَ	التلميذُ إلى المدرسة.	ذَهَبَتْ	التلميذة إلى المدرسة.	يَكْتُبُ	عليّ	دَرَسَ.	تَكْتُبُ	فاطمةُ	دَرَسَها.
فعل مذكر	فاعل مذكر	فعل مؤنث	فاعل مؤنث	فعل مذكر	فاعل مذكر	فعل مؤنث	فاعل مؤنث	فاعل مؤنث	فعل مؤنث

توجه: اگر فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل همواره مفرد به کار می رود:

ذَهَبَ	التلميذان إلى المدرسة.	ذَهَبَ	التلاميذ إلى المدرسة.	ذَهَبَتْ	التلميذتان إلى المدرسة.	ذَهَبَتْ	التلميذات إلى المدرسة.
فعل مفرد	فاعل مثني	فعل مفرد	فاعل جمع	فعل مفرد	فاعل مثني	فعل مفرد	فاعل جمع

۲۱ کلمات پرسشی که برای سؤال از مکان، زمان، چگونگی، چرایی و ... در زبان عربی به کار می رود، عبارت اند از:

أ (آیا)، هَلْ (آیا)، كَيْفَ (چگونه)، كَمْ (چند)، أَيْ (کدام)، أَيْنَ (کجا)، مَتَى (کی)، مَنْ (چه کسی)، مَا (چه چیزی)، إِلَى أَيْنَ (به کجا)، إِلَى مَتَى (تا کی)، لِمَاذَا (چرا)

توجه: الف) اگر سؤال کننده واژه های «أ» یا «هَلْ» به کار ببرد، در پاسخ از «نَعَمْ: بله» یا «لا: نه» استفاده می کنیم.

ب) اگر سؤال کننده واژه «أَيْنَ» به کار ببرد، در پاسخ از واژه های «فوق، تحت، أمام، خلف، وراء، جنب، عند، حول، بین، في، على، هنا، هناك، على اليمين، على اليسار ...» استفاده می کنیم.

ج) اگر سؤال کننده واژه «مَتَى» به کار ببرد، در پاسخ از واژه های «غداً، أمس، في الصباح، مساءً، اليوم، عصر، ليل، قبل سنتين، قبل أسبوعين، في الشهر الماضي، في الشهر القادم و ...» استفاده می کنیم.

۱۲ اعداد

اصلي	واحد	إثنان	ثلاثة	أربعة	خمسة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	أحد عشر	إثنا عشر
یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده
ترتیبی	برای مذکر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التابع	العاشر
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم
برای مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	الخامسة	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشرة	الحادية عشرة

۲۱ روزهای هفته:

السَّيْت (شنبه)، الْاَحَد (یکشنبه)، الْاِثْنَيْن (دوشنبه)، الْثَلَاثاء (سه‌شنبه)، الْاَرْْبَعاء (چهارشنبه)، الْخَمِيس (پنج‌شنبه)، الْجُمُعَة (جمعه)

۲۲ فصل‌های سال: الزَّيْع (بهار)، الصَّيف (تابستان)، الْخَرِيف (پاییز)، الشَّتاء (زمستان)

۲۳ رنگ‌ها: اَزْرَق (آبی)، اَخْضَر (سبز)، اَحْمَر (قرمز)، اَسْوَد (سیاه)، اَبْيَض (سفید)، اَصْفَر (زرد)

۲۴ شغل‌ها: حَذَّاد (آهنگر)، خَبَّاز (نانوا)، حَلْوَانِي (شیرینی‌فروش)، رِیاضِي (ورزشکار)، شُرْطِي (پلیس)، طَبَّاح (آشپز)، مُمَرِّض (پرستار)، مُوْظَّف (کارمند)،

فَلَّاح (کشاورز)، طَبِيب (پزشک)، نَجَّار (نجار، درودگر)، كَاتِب (نویسنده)، خِیاط (خیاط)، مُدَّرِّس (معلم)

نکاتی در مورد فنّ ترجمه

۱ اگر در جمله فعل مفرد، ولی فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل در فارسی جمع ترجمه می‌شود:

يَذْهَبُ الطَّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند. فعل مفرد فاعل جمع
يَذْهَبُ الطَّالِبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند. فعل مفرد فاعل مثنی جمع جمع

۲ اگر در جمله، هیچ فعلی وجود نداشته باشد، در ترجمه فارسی از فعل کمکی (است، هست، هستم ...) استفاده می‌شود.

الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنَاتِ وَ الْبَنَاتِ: خیابان‌ها پر از پسران و دختران است.
هیچ فعلی ندارد. فعل کمکی

۳ برخی فعل‌ها در ترجمه به فارسی به حرف اضافه نیاز دارند:

أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي: من از پروردگارم حلّ مشکلاتم را درخواست می‌کنم.
فعل حرف اضافه فعل

۴ برخی فعل‌ها که ماضی هستند و پس از واژه «مَنْ» به کار می‌روند، بهتر است در فارسی مضارع ترجمه شوند:

خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ: بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند.
ماضی مضارع

مَنْ كَتَمَ عِلْمًا فَكَانَتْ جَاهِلٌ: هر کس دانشی را پنهان کند؛ پس گویی نادان است.
ماضی مضارع

۵ واژه‌های «لَهُ، لَكَ، لَهُمْ و ...» را می‌توان دو گونه ترجمه کرد:

الف) برای اوست، برای توست، برای آن‌هاست

ب) دارد، داری، دارند

ولی بهتر است برای ترجمه از واژه‌های مطرح‌شده در ردیف (ب) استفاده شود: لَكَ قَلَمٌ: قلم داری.

و اگر فعل «لَيْسَ» پیش از آن‌ها بیاید، از «ندارد، نداری، ندارند» استفاده می‌شود: اَلْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ: غریب کسی است که دوستی ندارد.

❻ برای فهم درست یک زبان باید با واژه‌های پرسشی آن زبان آشنا شد:

هَلْ (آیا) - أ (آیا) - مَنْ (چه کسی) - ما (چه چیزی) - بِمَ (با چه) - ماذا (چه) - لِمَاذَا (برای چه) - لِمَنْ (برای که) - أَيْنَ (کجا) - مِنْ أَيْنَ (از کجا) - أَيْ (کدام) - فِي أَيِّ (در کدام) - كَمْ (چند) - كَيْفَ (چگونه) - مَتَى (کی)

❼ اگر بعد از واژه «خَيْر» و «شَر» کلمه «مِنْ» بیاید، به معنای «بهتر» و «بدتر» است:
أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ: ادب آدمی از طلایش بهتر است.

⓵ واژه‌های «لَكَ» و «عَلَيْكَ» معانی مختلفی دارد:

لَكَ: داری، به سود تو

عَلَيْكَ: تو باید، بر تو لازم است، به زیان تو

لَكَ صَدِيقٌ مُخْلِصٌ: تو دوست بااخلاصی داری.

عَلَيْكَ بِالدراسة: تو باید تحصیل کنی.

الَّذِي يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ: روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان توست.

الْأَرْبَعِيَّاتُ (گفت‌وگوی اربعینی)

الشُّرْطِيُّ وَ الزَّائِرُ
پلیس و زائر

- أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ!	- شُكْرًا. سَاعَدَكَ اللهُ!
- [به‌به!] خوش آمدیدا!	- تشکر. خدا قوت!
- كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟	- نَبْقَى أُسْبُوعَيْنِ.
- چند روز در عراق می‌مانید؟	- دو هفته می‌مانیم.
- إِلَى أَيِّ مَدْنٍ تُرِيدُونَ الدَّهَابَ؟	- إِلَى النَّجَفِ وَ كَرْبَلَاءِ وَ الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءِ.
- به کدام شهرها می‌خواهید بروید؟	- به نجف، کربلا، کاظمین و سامرا.
- كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي النَّجَفِ؟	- نَبْقَى يَوْمَيْنِ.
- چند روز در نجف می‌مانید؟	- دو روز می‌مانیم.
- وَ كَمْ يَوْمًا فِي بَاقِي الْمَدْنِ؟	- فِي الْكَاظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءِ يَوْمَيْنِ، وَ الْبَاقِي فِي كَرْبَلَاءِ.
- و چند روز در بقیه شهرها؟	- در کاظمین و سامرا دو روز و بقیه در کربلا.
- أَتَمَنَّى لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً؟	- حَفِظَكَ اللهُ!
- زیارت مقبولی را [در پیشگاه خدا] برایتان آرزو می‌کنم!	- خدا شما را نگه دارد!
- حُذْ جَوَارِكَ، فِي أَمَانِ اللهُ!	- شُكْرًا جَزِيلًا. فِي أَمَانِ اللهُ وَ حِفْظِهِ!
- گذرنامه‌ات را بگیر، در پناه خدا.	- سپاس فراوان، به امان خدا، خدا نگهدار.

مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا. أَلِإِمَامِ الصَّادِقِ

هر کس در [بعد از] مرگ ما، ما را زیارت کند، مثل این است که در [زمان] حیاتمان، ما را زیارت کرده است. امام صادق

تمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

• با توجّه به تصویر پاسخ دهید.



۴- لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟



۳- أَيْنَ مُسْتَشْفَى بَغدَاد؟



۲- هَلْ هَذَا زَمِيلُكَ؟



۱- ماذا عَلَى الشَّجَرَةِ؟



۸- مَتَى تَلْعَبِينَ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ؟



۷- هَلْ هُنَا مِنتَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ؟



۶- كَمْ حَافِلَةٍ فِي الْمَوْقِفِ؟



۵- فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟



۱۰- بِمَ يُسَافِرُ الْخُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟



۹- يَا تَلْمِيزَاتِ، كَيْفَ حَالُكُنَّ؟

التَّمرينُ الثَّانِي

• در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

۱- واحد / اثنان / / أربعة / / ستّة / / ثمانية / / عشرة / / اثنان عشر

۲- الأوَّل / / الثالث / / الخامس / / السابع / / التاسع / / الثاني عشر

۳- يومُ السَّبْتِ / الأحد / / الثلاثاء / / الجمعة

۴- الرِّبْع / / الخريف /

۵- الفطور في الصَّباح / الغداء في الظُّهر / في اللَّيْل

التَّمرينُ الثَّالِثُ

• به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱- مَن أَنْتَ؟

۲- كَيْفَ حَالُكَ؟

۳- مَن أَيْنَ أَنْتَ؟

۴- فِي أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ؟

۵- مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيران؟

● التَّمرينُ الرَّابِعُ

● برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب، سپس هر جمله را ترجمه کنید.

- ۱- (هَم □ نَحْنُ) نَجَحْنَا
 ۲- (هَم □ هُنَّ) أَنْتُمَا يَنْصُرُونَ
 ۳- (أَنْتَ □ أَنْتُمَا) لَا تَكْذِبُ
 ۴- (هُنَّ □ هُنَّ) أَنْتُمْ وَصَلْتُمْ
 ۵- (أَنْتُمَا □ هُنَّ) يَقْدِرْنَ
 ۶- (هِيَ □ أَنْتِ) قَرَبَتْ

● التَّمرينُ الْخَامِسُ

● کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات ناهم‌هنگ است؟

- ۱- مَوْظَفَةٌ □ طَبِيبَةٌ □ طَبَاخَةٌ □ حَقِيبَةٌ
 ۲- مَحَافِظَةٌ □ قَرِيَّةٌ □ مَدِينَةٌ □ عَامِلٌ
 ۳- بِنْتُ □ أُخْتُ □ لَوْنٌ □ جَدَّةٌ
 ۴- قَدَمٌ □ قَوْلٌ □ يَدٌ □ عَيْنٌ
 ۵- بَقَرَةٌ □ جَنَّةٌ □ فَرَسٌ □ سِنَجَابٌ
 ۶- أُسْرَةٌ □ قَمَرٌ □ كَوْكَبٌ □ شَمْسٌ
 ۷- أُسْبُوعٌ □ ذَهَبٌ □ شَهْرٌ □ سَنَةٌ
 ۸- نُفَّاحٌ □ رُمَانٌ □ تَمْرٌ □ سَحَابٌ

● التَّمرينُ السَّادِسُ

● هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.»

- ۱- كُرَّةُ الْقَدَمِ ● مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَالْغَدَاءَ وَالْعِشَاءَ.
 ۲- الْمَحَافِظَةُ ● يَحْذَرُ الْحَيَوَانَاتِ مِنَ الْخَطَرِ.
 ۳- الْمَطْعَمُ ● هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.
 ۴- الْمَسَاءُ ● رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدُ عَشَرَ لَاعِبًا.
 ۵- الْغَابَةُ ● أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.
 ۶- الْغُرَابُ ● وَقْتُ نِهَايَةِ النَّهَارِ وَبِدَايَةِ اللَّيْلِ.
 ۷- الْفَضِيفُ ● طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ.

● التَّمرينُ السَّابِعُ

● در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

«عَلَيْكَ - ذَهَبَ - الْجُلُوسُ - الْحَجَرُ - الْجَاهِلُ - الْأَمَانُ - الصَّعَابُ»

- ۱- أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 ۲- أَلْعَلُّ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّقْشِ فِي الْإِمَامُ عَلِيٌّ ؑ
 ۳- نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 ۴- أَلَذَّهَرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ الْإِمَامُ عَلِيٌّ ؑ
 ۵- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْإِمَامُ عَلِيٌّ ؑ

● التَّحْرِيضُ الثَّامِنُ

● متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

«كثير - لئيل - نهاية - قريب - جميل - صداقة - يمين - غالبية - شراء - فرح - كذب - حار»

يسار ≠	بعيد ≠	رَخِيصَة ≠
بارد ≠	بدائية ≠	بيع ≠
صدق ≠	قبيح ≠	حزن ≠
نهار ≠	عداوة ≠	قليل ≠

● التَّحْرِيضُ التَّاسِعُ

● این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

«أوراق - فلاحان - شجرة - رياضيون - سيدات - مدرستان»



مفرد مؤنث
مثنای مذکر
مثنای مؤنث
جمع مذکر سالم
جمع مؤنث سالم
جمع مکسر

نمونه سوالات امتحانی

۱- عبارتهای زیر را ترجمه کنید.

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾

۳- ذَلِكَ الْمَرْقَدُ لِجَابِرِ بْنِ حَبَّانٍ عَالِمِ الْكِيمِيَاءِ.

۵- أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ أَمْرِي، فَاسْمُ إِلَهِي زَادَ سُرُورِي.

۲- ترجمه ناقص عبارتهای زیر را کامل کنید.

۱- الشَّارِعُ مَمْلُوءٌ بِالْبَنِينَ وَ النَّبَاتِ.

۲- يَبْتَدِئُ فَضْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَضْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ. فصل (زمان) و خواندن و نوشتن و فصل (زمان) دوستی میان دانش‌آموزان

۳- أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي / أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي.

۴- أَكْثَرُ خَطَايَا ابْنِ آدَمَ فِي لِسَانِهِ.

۵- ﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۲- نَعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ.

۴- الطَّالِبَاتُ يَحْمِلْنَ حَقَائِبَهُنَّ وَ يَذْهَبْنَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

خیابان از پسران و است.

کتابم را به نام خدا حل سختی‌هایم را از درخواست می‌کنم.

بیشتر آدمیزاد در است.

هان، بی‌شک وعده خداوند است، ولی نمی‌دانند.

۳- ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱- لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ.

☐ الف) هر چیزی راهی دارد و راه بهشت علم است.

۲- ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهَ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾

☐ ب) میوه‌های بسیار را در آن دیدم که از آن می‌خورید.

۳- أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي.

☐ ب) به هنگام ایستادنم پروردگارم را یاد می‌کنم.

☐ الف) پروردگارم را به هنگام نماز می‌خوانم.

۴- تَذْهَبُ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ.

☐ الف) دانش‌آموزان با شادی به مدرسه رفتند.

☐ ب) دانش‌آموزان با شادی به مدرسه می‌روند.

۵- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.

☐ الف) بهترین مردم کسی است که به مردم سود می‌رساند.

☐ ب) بهترین مردم کسانی هستند که مردم را خوشحال می‌کنند.

۴- ترجمه کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده بنویسید.

۱- إِنَّ الْخَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ.

۲- مَنْ كَتَمَ عِلْماً فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ.

۳- أَلْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.

۴- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً﴾

۵- كَمْ كُرْسِياً حَوْلَ الْمِنْصَدَةِ؟

۵- علامت مترادف (=) و متضاد (≠) قرار دهید.

۱- لیل ☐ نهار

۲- ها ☐ ألا

۴- أَلْجَدِيدُ ☐ أَلْقَدِيمُ

۵- كَثِيرَةٌ ☐ قَلِيلَةٌ

۷- أَسْوَدَ ☐ أَبْيَضَ

۸- بَيْعَ ☐ شِرَاءَ

۱۰- رَخِيصَةً ☐ غَالِيَةً

۳- أَلْبَيْتُ ☐ أَلْمَنْزِلُ

۶- فَرَحَ ☐ سُورَورَ

۹- نِهَایَةَ ☐ بَدَایَةَ

۶- کدام کلمه از نظر معنایی با سایر گزینه‌ها ناهماهنگ است؟

۱- شَجَرَةٌ ☐

☐ غُضْنٌ

☐ فَاكِهَةٌ

۲- عَبْنٌ ☐

☐ قَدَمٌ

☐ لَوْنٌ

۳- غَابَةٌ ☐

☐ غَايَةٌ

☐ أَثْمَارٌ

۴- قَمَرٌ ☐

☐ قَرَسٌ

☐ حِمَارٌ

۵- یَوْمٌ ☐

☐ شَهْرٌ

☐ زَمَانٌ

۷- زیر هر تصویر، نام آن را به عربی بنویسید. (یک کلمه اضافی است).

«غُرَابٌ - كُرَّةٌ - طَبِيبَةٌ - كَوْكَبٌ - طَائِرَةٌ»



۴-

۳-

۲-

۱-

۸- کدام فعل از نظر زمان با بقیه ناهماهنگ است؟

۱- جَلَبْنَا ☐

☐ كَتَمْنَا

☐ قَرَأْتُمْ

☐ أَجْمَعُ

۲- جَعَلْنَا ☐

☐ نَأْكُلُ

☐ قَطَعْتُمْ

☐ ظَلَمْنَا

۳- يَغْلَمَنَّ ☐

☐ أَضْرَبُ

☐ حَرَسْتَ

☐ نَغْفِرُ

۴- لَا يَخْرَنُونَ ☐

☐ سَجَدْتُ

☐ يَجِبُونَ

☐ أَنْفَعُ

زاد ☐

يَتَخَرَّجُ ☐

يَبْتَدِئُ ☐

تَحْمِلُ ☐ ۵-

۹- فعل‌های ماضی و مضارع را در عبارت‌های زیر مشخص کنید.

۱- أَذْكَرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي.

۳- الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ.

۵- ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

۱۰- فعل مناسب را برای ضمیر داده‌شده انتخاب کنید.

سَوْفَ نَنْظُرُ ☐

لَا يَجْلِسُ ☐

مَا جَلَسْتُ ☐

۱- هي ☐

تَعْرِفِينَ ☐

عَرَفَنَ ☐

يَعْرِفُونَ ☐

۲- هُنَّ ☐

ذَهَبْتُ ☐

صَدَقْتُ ☐

أَنْظُرُ ☐

۳- أَنْتُمْ ☐

تَقْذِفُ ☐

أَسْمَعُ ☐

نَسْمَعُ ☐

۴- أَنَا ☐

يَكْتُمُونَ ☐

كَتَمْنَا ☐

قَبِلْتُمَا ☐

۵- هُمْ ☐

۱۱- فعل‌های ماضی و مضارع داده‌شده را در جدول قرار دهید و هر یک را ترجمه کنید.

«تَلَبَّسَ - قَرَّبَتْ - يَعِيشُونَ - فَتَحْتُمُ - أَصْدُقُ - سَافَرَا»

مضارع	ماضی
ترجمه	ترجمه

مضارع	ماضی
ترجمه	ترجمه

۱۲- برای جاهای خالی، فعل ماضی و مضارع را انتخاب کنید.

۱- أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ إِلَى مَنْظَمَةِ الْحَجِّ وَالزِّيَارَةِ.

۲- أَتَيْتُهَا الْبَنَاتِ، هَلْ الطَّعَامُ؟

۳- هِيَ ☐

۴- أَتَيْهَا الرَّجَالُ، أَيْنَ؟

۵- أَسْرَهُ السَّيِّدُ فَتَاحِي مِنْ كِرْمَانٍ إِلَى الْعِرَاقِ.

۱۳- گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱- مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ فِي إِيرَانَ؟

۲- طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ.

۳- أَلَدَّهْرُ؛ يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمَ عَلَيْكَ.

۴- أَدَبَ حَيَّرَ مِنْ ذَهَبِهِ.

۵- إِنَّ حَوَائِجَ إِلَيْكُمْ نِعْمَةً مِنَ اللَّهِ.

۱۴- با توجه به تصویر پاسخ دهید.

نَذْهَبُ ☐

أَذْهَبُ ☐

طَبَخْتُ ☐

تَطْبَخَانِ ☐

أَكْذِبُ ☐

تَكْذِبُ ☐

تَذْهَبُونَ ☐

تَذْهَبِينَ ☐

سَافَرْتُ ☐

سَافَرْنَا ☐

الْمَدْرَسَةِ ☐

الدَّرَاسِي ☐

الْغُرَابِ ☐

كُرَّةُ الْقَدَمِ ☐

يَوْمَانِ ☐

عُلُومَ ☐

الْمَرْءِ ☐

الشَّجَرِ ☐

الْجَامِعَةِ ☐

النَّاسِ ☐



۴- ماذا يَفْعَلْنَ؟

۳- كَمْ سَيَّارَةً هُنَا؟

۲- أَيْنَ جَلَسُوا؟

۱- ما هذه؟

۱۵- هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. (یک واژه اضافی است).

- | | | |
|----------------|---|--|
| ۱- الْمَسَاءُ | ● | ● هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ. |
| ۲- الْمَلْعَبُ | ● | ● جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. |
| ۳- الْغَابَةُ | ● | ● وَقْتُ نِهَایَةِ النَّهَارِ وَبِدَایَةِ اللَّیْلِ. |
| ۴- الْخُمْسُ | ● | ● فَضْلٌ یَأْتِي بَعْدَ الصَّیْفِ. |
| ۵- الْخَرِيفُ | ● | ● مَكَانٌ یَلْعَبُ فِيهَا الرِّیَاضِیُّونَ. |
| ۶- الصَّيْفُ | ● | |

۱۶- اسم‌های زیر را ترجمه کنید.

- | | | | | |
|----------------|----------------|-------------------|---------------|----------------|
| ۱- صِیَاب: | ۲- مَرْحَمَةٌ: | ۳- عَام: | ۴- جُلُوس: | ۵- مِنْصَدَةٌ: |
| ۱- وَصَلْتُمْ: | ۲- نَجَحْنَا: | ۳- مَا سَمِعْنَا: | ۴- تَفْذِیْن: | ۵- أَنْخَرَج: |



● مهارت ترجمه

۱- ﴿يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنَّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ﴾:

- ۱) کسانی که در آسمان‌ها و در زمین هستند او را سجده می‌کنند و خورشید و ماه و ستاره و کوه و درختان.
- ۲) آسمان‌ها و زمین همه به فرمان او هستند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان سر بر آستان او نهاده‌اند.
- ۳) کسی که در آسمان‌هاست او را سجده می‌کند و کسی که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت.
- ۴) کسی که در آسمان‌ها و زمین است گوش به فرمان اوست و خورشید و ماه و ستاره و کوه و درخت او را می‌ستایند.

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾:

- ۱) قطعاً خداوند به مردم ستم نخواهد کرد، هر چند مردم خودشان به خود ستم کنند.
- ۲) بی‌شک خداوند ظلم مردم را نمی‌بخشد، ولی مردم این موضوع را درک نمی‌کنند.
- ۳) بی‌شک خداوند ظلم مردم را نخواهد بخشید، ولی مردم درک ماهیت ظلم را نمی‌دانند.
- ۴) قطعاً خداوند ذره‌ای به مردم ستم نمی‌کند، ولی مردم به خودشان ستم می‌کنند.

۳- ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾:

- ۱) هان، قطعاً اولیای الهی هرگز نمی‌ترسند و از چیزی اندوهگین نیستند.
- ۲) هان، قطعاً دوستان خدا نه ترسی برایشان هست و نه آن‌ها غمگین می‌شوند.
- ۳) آگاه باش که اولیای الهی ترس و ناراحتی در آن‌ها راه ندارد.
- ۴) آگاه باش که دوستان خدا هرگز نمی‌ترسند و حزن و غمی که آن‌ها را ناراحت کند، ندارند.

۴- ﴿إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطَبَ﴾:

- ۱) قطعاً حسادت نیکی‌ها را از بین می‌برد، همان‌گونه که آتش محصول را از بین می‌برد.
- ۲) بی‌شک حسادت خوبی‌ها را خواهد خورد، مانند آتش که هیزم‌ها را از بین می‌برد.
- ۳) قطعاً حسادت خوبی‌ها را می‌خورد، همان‌گونه که آتش هیزم را می‌خورد.
- ۴) بی‌شک انسان‌های حسود نیکی‌ها را نادیده می‌گیرند، مانند آتش که محصول را نابود می‌کند.

۵- ﴿اعْلَمِ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ﴾:

- ۱) داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.
- ۲) عالم‌ترین مردم کسی است که علم خودش را از علم مردم کم‌تر بداند.
- ۳) عالم‌ترین مردم کسی است که مردم را از علم خودش بهره‌مند کند.
- ۴) داناترین مردم کسی است که از دانش مردم بهره‌بردار و به آن بیفزاید.

۶- «الكلام كالدواء قليله ينفع و كثيره قاتل»:

- (۱) سخن مثل درمان است، اندک آن سریع شفا می‌دهد و بسیار آن می‌کشد.
- (۲) سخن گفتن دارویی است که اندکش سودبخش است، ولی بسیارش آدمی را می‌کشد.
- (۳) سخن مثل داروست، اندک آن به جامعه سود می‌رساند، ولی زیادش زیان‌آور است.
- (۴) سخن مانند داروست، اندکش سود می‌رساند و بسیارش گشنده است.

۷- «العلم خير من المال. العلم يحرسك و أنت تحرس المال»:

- (۱) دانش تو از ثروت تو بهتر است. دانش از تو مراقبت می‌کند و تو از ثروت مراقبت می‌کنی.
- (۲) دانش از ثروت بهتر است. دانش از تو نگاهبانی می‌کند، در حالی که تو از ثروت نگاهبانی می‌کنی.
- (۳) علم از ثروت برتر است. علم تو را گرامی می‌دارد و تو ثروت را گرامی می‌داری.
- (۴) علم تو از دارایی تو بیشتر است. علم تو را حفظ می‌کند و تو دارایی خود را حفظ می‌کنی.

۸- ترجمه صحیح کدام است؟

- (۱) «خيرُ الناس من نفع الناس»: شریف‌ترین مردم کسی است که آدمیان از او سود ببرند.
- (۲) «من كَثَمَ علماً، فكأنه جاهل»: کسی که دانش را پنهان کرد، مثل این‌که نادان است.
- (۳) «لا خير في قولٍ إلا مع الفعل»: هیچ خبری در سخنی نیست، مگر آن‌که با عمل همراه باشد.
- (۴) «أكثر خطايا ابن آدم في لسانه»: بیشترین انسان‌های خطاکار از زبان خود نگران‌اند.

۹- ترجمه درست کدام است؟

- (۱) «متى تلعبن كرة المنضدة؟»: کی تنیس روی میز بازی کردید؟
- (۲) «متى يبدأ العام الدراسي في إيران؟»: کی در ایران سال تحصیلی آغاز خواهد شد؟
- (۳) «بِمَ يسافر الحجاج إلى مكة المكرمة؟»: چرا حاجیان به مکه مکرّمه سفر می‌کنند؟
- (۴) «كيف حالكُنَّ يا تلميذات؟»: ای دانش‌آموزان، حالتان چه‌طور است؟

۱۰- کدام ترجمه درست است؟

- (۱) «العجلة من الشيطان»: انسان عجول پیرو شیطان است.
- (۲) «إن حسن العهد من الإيمان»: خوش‌اخلاقی جزئی از ایمان است.
- (۳) «الوحدة خير من جليس السوء»: اتحاد از تفرقه بهتر است.
- (۴) «الوقت من الذهب»: وقت از طلاست.

۱۱- ترجمه نادرست عبارت‌ها کدام است؟

- (۱) «الغريب من ليس له حبيب»: غریب کسی است که دوستی ندارد.
- (۲) «إن حوائج الناس إليكم نعمة من الله»: قطعاً نیاز مردم به شما نعمت‌های الهی است.
- (۳) «إنما المؤمنون إخوة»: تنها مؤمنان برادرند.
- (۴) «لكل شيء طريق و طريق الجنة العلم»: هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است.

۱۲- ترجمه نادرست عبارت‌ها کدام است؟

- (۱) «إن الله جميل و يحب الجمال»: قطعاً خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.
- (۲) «إن الله يغفر الذنوب جميعاً»: به راستی که خداوند تمام گناهان را می‌آمرزد.
- (۳) «ما ظلمناهم ولكن ظلموا أنفسهم»: ما به آن‌ها ستم نکردیم، ولی آن‌ها به خودشان ستم کردند.
- (۴) «عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل»: دشمن انسان عاقل از دوست انسان نادان بهتر است.

۱۳- ترجمه نادرست عبارت‌ها کدام است؟

- (۱) «ماذا على الشجرة؟»: روی درخت چیست؟
- (۲) «في أي علم؛ هذا العالم معروف؟»: این دانشمند در کدام علم مشهور است؟
- (۳) «كم كرسيًا حول المنضدة؟»: چرا صندلی‌ها اطراف میز هستند؟
- (۴) «لِمَن هذا المرقد؟»: این آرامگاه برای کیست؟

۱۴- ترجمه نادرست عبارت‌ها کدام است؟

- (۱) «أبدأ باسم الله كلامي»: سختم را به نام خدا آغاز می‌کنم.
- (۲) «فيه كمال، فيه كنوز»: در آن کمال است، در آن گنج و نور است.
- (۳) «يُدرّس فيه الحكماء»: دانایان در آن درس می‌دهند.
- (۴) «فأسمُ إلهي زاد سروري»: پس نام معبودم شادی‌ام را افزایش داد.

۱۵- کدام عبارت نادرست ترجمه شده است؟

- (۱) «أدبُ المرء خيرٌ مِنْ ذَهَبِهِ»: ادب آدمی از طلایش بهتر است.
- (۲) «نعمتانِ مجهولتانِ: الصحةُ و الأمانُ»: دو نعمت ناشناخته است: سلامتی و امنیت.
- (۳) «العلمُ في الضَّغَرِ كالنَّقْشِ في الحَجَرِ»: علم در کودکی مانند نقاشی بر روی سنگ است.
- (۴) «الذهرُ يومانٍ؛ يومٌ لك و يومٌ عليك»: روزگار دو روز است؛ روزهایی که به سود تو بوده و روزهایی که به ضرر تو بوده است.

۱۶- کدام عبارت نادرست ترجمه شده است؟

- (۱) «لهذا الصَّفِّ نافذتانِ جميلتانِ»: این کلاس دو پنجره زیبایی دارد. (۲) «قيمةُ الانسانِ بالعلم و الإيمان»: ارزش انسان به دانش و باور اوست.
- (۳) «هذانِ الصَّفانِ كبيرانِ»: این دو کلاس بزرگ هستند. (۴) «هذانِ الجبلانِ مرتفعانِ»: این دو کوه باشکوه هستند.

۱۷- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۱) «هؤلاء اللّاعِبَاتُ فائِزَاتُ»: این‌ها بازیکنان برنده‌اند.
- (۲) «أولئك المجاهداتُ صابراتُ»: آن مجاهدان صبور هستند.
- (۳) «هؤلاء الطّالِبَاتُ ناجحاتُ في مسابقة حفظ القرآن»: این دانش‌آموزان در مسابقه حفظ قرآن موفق هستند.
- (۴) «أولئك الرّجالُ جالسونَ عندَ العلماء»: آن مردان نزد دانشمندان نشسته‌اند.

۱۸- کدام گزینه نادرست ترجمه شده است؟

- (۱) «هل جزاءُ الاحسانِ إلّا الاحسانُ»: آیا پاداش نیکی فقط نیکی است؟
- (۲) «سكوتُ اللّسانِ سلامةُ الإنسانِ»: سکوت زبان سلامت انسان است.
- (۳) «رُبّ كلامٍ جوابه السّكوتُ»: چه بسا سخنی که پاسخش سکوت است.
- (۴) «في كتاب القصة عِبَرٌ للأطفال»: در کتاب قصه، پندهایی برای کودکان است.

۱۹- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۱) «هي لاعبةٌ قويّةٌ»: او بازیکن نیرومندی است.
- (۲) «مَنْ هذه البنتُ الصّغيرةُ؟»: این دختر کوچک کیست؟
- (۳) «لِمَنْ ذلك الجوّالُ الجميلُ؟»: آن تلفن همراه زیبا مال چه کسی است؟
- (۴) «مَنْ هو مُدَرِّسُ اللّغةِ العربيّةِ؟»: چه کسی معلم زبان عربی را می‌شناسد؟

۲۰- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۱) «المكتبةُ بعيدةٌ و المدرسةُ قريبةٌ»: کتابخانه دور و مدرسه نزدیک است.
- (۲) «هل الفندقُ قريبٌ أم بعيدٌ؟»: آیا هتل نزدیک‌تر است یا دورتر؟
- (۳) «هل هنا أشجارُ العنب و الرّمان؟»: آیا این‌جا درختان انگور و انار است؟
- (۴) «هل في هذه المدينةُ فندقٌ؟»: آیا در این شهر هتلی هست؟

● مهارت واژه‌شناسی

۲۱- نام کار روبه‌رو، به زبان عربی، کدام است؟

- | | |
|-----------|-----------|
| (۱) قراءة | (۲) دراسة |
| (۳) كتابة | (۴) بداية |

۲۲- نام تصویر روبه‌رو، به زبان عربی، کدام است؟

- | | |
|--------------|---------------|
| (۱) حَقِيبَة | (۲) مِنْضَدَة |
| (۳) جَوَال | (۴) قُرْشَة |

۲۳- نام کاری که در حال انجام است، به زبان عربی چه نام دارد؟

- | | |
|-----------------|---------------|
| (۱) يَتَخَرَّجُ | (۲) يَزِيدُ |
| (۳) يَحْمِلُ | (۴) يُدَرِّسُ |





۲۴- نام تصویر روبه‌رو به زبان عربی، کدام است؟

- (۱) طَلَاب
(۲) بَنین
(۳) طالبات
(۴) بَنات

۲۵- کدام متضاد نادرست است؟

- (۱) جماعة ❖ وحدة
(۲) واقف ❖ جالس
(۳) غالية ❖ قِيمة
(۴) حُسن ❖ سوء

۲۶- متضاد کلمات «غالية» - شراء - يمين - قَرخ» به ترتیب کدام است؟

- (۱) باهض - بيع - يسار - حزين
(۲) رخيصة - بيع - شمال - حزين
(۳) باهض - بائع - شمال - حَزَن
(۴) رخيصة - بيع - يسار - حَزَن

❖ صحيح‌ترین و دقيق‌ترین ترجمه و مفهوم واژه‌ها و عبارتها را برگزینید.

۲۷- ترجمه درست کلمات مشخص شده در آیه شریفه به ترتیب کدام است؟ ﴿لَكُمْ فِيهَا فَاوَكَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾

- (۱) برای شما - میوه‌های - می‌خورید
(۲) برای شما - میوه - می‌خورند
(۳) از شما - میوه‌های - می‌خوردید
(۴) از شما - میوه - می‌خورید

۲۸- ترجمه فعل‌های «ما جَلَسْنَ - لا يَذْهَبُونَ - سوفَ تَعْرِفِينَ» به ترتیب کدام است؟

- (۱) نمی‌نشینند - نمی‌روید - خواهی شناخت
(۲) ننشستند - نمی‌روید - خواهی شناخت
(۳) نمی‌نشینند - نمی‌روند - نخواهد شناخت
(۴) ننشستند - نمی‌روند - خواهی شناخت

۲۹- کدام ترجمه در مورد ترکیب اضافی و وصفی نادرست است؟

- (۱) أنوار سَمَائِي: نورهای آسمانی
(۲) حَقَائِبُهُم: کیف‌هایشان
(۳) سُرُورِي: خوشحالی‌ام
(۴) حَلَّ صَعَابِي: حل سختی‌هایم

۳۰- ترجمه کلمات «تَخَرَّجَ - بَنِينَ - زَادَ» به ترتیب کدام است؟

- (۱) اخراج کرد - فرزندان - افزود
(۲) فارغ‌التحصیل شد - پسران - افزود
(۳) اخراج کرد - فرزندان - دو برابر کرد
(۴) فارغ‌التحصیل شد - پسران - دو برابر کرد

۳۱- ترجمه کلمات «جُلُوسَ - رَصِيفَ - كِتَابَةَ» به ترتیب کدام است؟

- (۱) نشستن - شارژ - نوشتن
(۲) نشاندن - شارژ - مکاتبه کردن
(۳) نشستن - پیاده‌رو - نوشتن
(۴) نشاندن - پیاده‌رو - مکاتبه کردن

۳۲- ترجمه کلمات «حَطَبَ - نار - أَكَلْ» به ترتیب کدام است؟

- (۱) هیزم - روشنایی - نوشید
(۲) محصول - آتش - خورد
(۳) محصول - روشنایی - خورد
(۴) هیزم - آتش - خورد

۳۳- ترجمه کلمات مقابل به ترتیب کدام است؟ «لَوْحَةَ - مُجَالَسَةَ - حُسْنَ - حَسَنَةَ»

- (۱) گچ - نشستن - خوبی - خوب
(۲) تابلو - همنشینی - خوبی - خوب
(۳) گچ - همنشینی - خوبی - خوبان
(۴) تابلو - همنشینی - خوب - خوبی

۳۴- واژه‌های «أَحْجَارَ - صَعَرَ - فائزَ - كُنُوزَ» به ترتیب به چه معناست؟

- (۱) سنگ‌ها - کوچکی - جوینده - گنج
(۲) درختان - خردسالی - برنده - گنج‌ها
(۳) سنگ‌ها - کوچکی - برنده - گنج‌ها
(۴) درختان - خردسالی - جوینده - گنج

۳۵- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۱) «أُولَئِكَ مُجَاهِدُونَ»: آن‌ها مجاهد هستند.
(۲) «أُولَئِكَ الْمُجَاهِدُونَ جَاوُوا»: آن مجاهدان آمدند.
(۳) «هَؤُلَاءِ إِيرَانِيُونَ»: این‌ها ایرانی هستند.
(۴) «هَؤُلَاءِ الْإِيرَانِيُونَ ذَهَبُوا»: این ایرانی رفت.

۳۶- کدام ترجمه نادرست به کار رفته است؟

- (۱) واقف: ایستاده
(۲) موت: مُرده
(۳) سَنَةِ: سال
(۴) عند: کنار

۳۷- ترجمه ترکیب‌های اضافی و وصفی مقابل به ترتیب کدام است؟ «قلیل الکلام - سکوت اللسان - اللغة العربية»

- (۱) کم‌سخنی - سکوت زبان - زبان عرب
(۲) کم‌سخن - سکوت درست - زبان عربی
(۳) کم‌سخنی - سکوت کوتاه - زبان اعراب
(۴) کم‌سخن - سکوت زبان - زبان عربی

۳۸- کدام گزینه درست است؟

- (۱) «أهذه حقیقة المدرسة؟»: آیا این وسایل مدرسه است؟
(۲) «لا، هذه حقیقة السفر.»: نه، این وسایل تفریح است.
(۳) «هل تلك شجرة الزمان؟»: آیا آن درخت انار است؟
(۴) «نعم، تلك شجرة الزمان.»: بله، این درخت انار است.

۳۹- واژه‌های «سائق - صیوف - سیارات - حُسام» به ترتیب به چه معناست؟

- (۱) راننده - مهمان - خودروها - بُرنده
(۲) راننده‌ها - مهمان - خودروها - بُرنده
(۳) راننده - مهمانان - خودروها - شمشیر
(۴) راننده‌ها - مهمانان - خودرو - شمشیر

۴۰- کدام ترجمه در مورد ترکیب اضافی و وصفی نادرست است؟

- (۱) جُنْدِيَّة شجاعة: سربازان دلاور (۲) سائق السَّيَّارة: راننده خودرو (۳) حُسْن العهد: خوش‌پیمانی (۴) أخت زينب: خواهر زینب

۴۱- کدام ترجمه درست است؟

- (۱) ما جَلَسَ: نمی‌نشیند (۲) لا يجلس: ننشین (۳) سيجلس: می‌نشیند (۴) يجلسن: می‌نشینند

۴۲- کدام ترجمه درست است؟

- (۱) ذهبتم: رفتید (۲) تذهبون: می‌روی (۳) لا أذهب: نرو (۴) سوف تذهبن: خواهی رفت

۴۳- کدام ترجمه درست است؟

- (۱) يعرفان: می‌شناسید (۲) صدقت: راست گفتی (۳) لا أنظر: نگاه نمی‌کنند (۴) سمعن: شنیدند

۴۴- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۱) سمعتن: شنیدید (۲) ما سمعنا: نمی‌شنوید (۳) لا نسمع: نمی‌شنویم (۴) سأسمع: خواهم شنید

۴۵- کدام ترجمه نادرست است؟

- (۱) صدقت: راست گفتم (۲) أنظر: نگاه می‌کنم (۳) نلبس: بپوشیم (۴) ما قذفت: نینداختی

● مهارت درک و فهم

۴۶- جای خالی، مناسب کدام گزینه است؟ «العالم المؤمن ك..... الرحمة و النور.»

- (۱) صف (۲) فريضة (۳) جبل (۴) مدرسة

۴۷- جای خالی، مناسب کدام گزینه است؟ «حميد اسم إين و حميدة اسم

- (۱) طالب (۲) معلم (۳) رجل (۴) بنت

۴۸- کدام گزینه، به ترتیب، مناسب جاهای خالی است؟ «تلك الشجرة ثمر / طلب العلم»

- (۱) في - مجالسة (۲) بلا - فريضة (۳) في - فريضة (۴) بلا - مجالسة

۴۹- جای خالی به ترتیب، مناسب کدام گزینه است؟ «قيمة الانسان ب..... / خير الناس الناس.»

- (۱) سته - أنفع (۲) عقله - أصغر (۳) سته - أصغر (۴) عقله - أنفع

۵۰- کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «اثنان - - أربعة - سته -»

- (۱) ثلاثة - تسعة - سبعة (۲) خمسة - سبعة - تسعة (۳) ثلاثة - خمسة - سبعة (۴) خمسة - عشرة - ثمانية

۵۱- کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «الثاني - الثالث - - الخامس -»

- (۱) أربع - ستة (۲) الرابع - السادس (۳) أربعة - السادس (۴) الرابع - الستة

۵۲- کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «السابع - - التاسع - العاشر -»

- (۱) الثامن - الحادي عشر (۲) السادس - الثاني عشر (۳) تسعة - أحد عشر (۴) ستة - اثنا عشر

۵۳- اگر بخواهیم فصل‌های سال را به ترتیب به زبان عربی بیان کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (۱) الربيع - الخريف - الصيف - الشتاء
(۲) الشتاء - الخريف - الربيع - الصيف
(۳) الربيع - الصيف - الخريف - الشتاء
(۴) الشتاء - الصيف - الخريف - الربيع

۵۴- اگر بخوایم غذاهای صبح و ظهر و شب را به ترتیب به زبان عربی بیان کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (۱) عَدَاء - عَشَاء - فُطُور (۲) فُطُور - عَدَاء - عَشَاء (۳) فُطُور - عَشَاء - عَدَاء (۴) عَدَاء - فُطُور - عَشَاء

۵۵- کدام ترتیب در مورد روزهای هفته نادرست است؟

- (۱) السَّبْت - الأحد - الإثنين (۲) الإثنين - الثلاثاء - الأربعاء
(۳) الثلاثاء - الأربعاء - الخميس (۴) الأربعاء - الإثنين - الجمعة

۵۶- مفهوم آیه شریفه ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ چیست؟

- (۱) تنها خداوند نسبت به غیب جهان قدرت دارد.
(۳) تنها خداوند به غیب جهان آگاه است.
(۲) هم آسمان غیب و پنهان دارد و هم زمین.
(۴) آشکار و پنهان جهان به دست خداست.

۵۷- کدام عبارت در مورد ارزش دانش و دانشمندان بیان نشده است؟

- (۱) حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. (۲) طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.
(۳) أَلَوَانُ عِلْمٍ إِيْرَانُ أَخْضَرُ وَ أَبْيَضُ وَ أَحْمَرُ. (۴) مَجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

۵۸- در کدام گزینه به «فراموشی علم و دانش» اشاره شده است؟

- (۱) الْعَالَمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. (۲) أَفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ.
(۳) قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ بِالْعِلْمِ وَ الْإِيْمَانِ. (۴) الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ.

۵۹- کدام عبارت در مورد نکوهش نادانی است؟

- (۱) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (۲) أَفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ.
(۳) الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. (۴) حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

۶۰- حدیث‌های «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيْمَانِ» و «رُبَّ كَلَامٍ كَالْخُسَامِ» به ترتیب به کدام موضوع اشاره دارد؟

- (۱) میهن‌پرستی - خوش‌گفتاری (۲) میهن‌دوستی - تأثیر سخن
(۳) میهن‌پرستی - تأثیر سخن (۴) میهن‌دوستی - خوش‌گفتاری

● متن‌های زیر را با دقت بخوانید، آن‌گاه در مورد پرسش‌های مطرح‌شده، پاسخ درست را برگزینید.

أَرْسَلَ رَجُلٌ وَلَدَهُ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِكَسْبِ التَّجَارِبِ. فَلَمَّا خَرَجَ الْوَلَدُ مِنَ الْمَدِينَةِ، شَاهَدَ ثَعْلِباً مَرِيضاً. فَوَقَّفَ مَدَّةً وَفَكَرَ: «كَيْفَ يَحْصُلُ عَلَى الطَّعَامِ؟» فِي هَذِهِ اللَّحْظَةِ شَاهَدَ أَسْداً جَنْبَ صَيْدٍ. فَلَمَّا قَرَّبَ مِنَ الثَّعْلِبِ أَكَلَ مِنَ الصَّيْدِ وَ تَرَكَ الْبَاقِي وَ ذَهَبَ. بَعْدَ لَحْظَةٍ حَرَكَ الثَّعْلِبُ نَفْسَهُ بَضْعُوبِهِ وَ قَرَّبَ مِنَ الصَّيْدِ وَ بَدَأَ بِالْأَكْلِ.

۶۱- واژه‌های مشخص‌شده در سطر اول، به ترتیب به چه معناست؟

- (۱) پدرش را - پس زمانی که - روباه - پس ایستاد
(۳) پدرش را - پس مدتی که - روباه - پس نشست
(۲) پدرش را - پس زمانی که - روباه - پس ایستاد
(۴) پدرش را - پس زمانی که - گرگ - پس نشست

۶۲- در سطر اول چند فعل ماضی وجود دارد؟

- (۱) هفت (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۶۳- واژه‌های مشخص‌شده در سطر دوم و سوم، به ترتیب به چه معناست؟

- (۱) کنار - خورد - رفت - به سختی
(۳) کنار - دید - رفت - با ترس
(۲) نزدیک - خورد - دوید - به سختی
(۴) نزدیک - دید - دوید - به سختی

۶۴- در سطر دوم و سوم، به ترتیب چند فعل ماضی و مضارع وجود دارد؟

- (۱) هشت - دو (۲) هفت - دو (۳) هفت - یک (۴) هشت - یک

۶۵- چه کسی برای کسب تجربه به خارج از شهر رفت؟

- (۱) پدر (۲) پسر (۳) برادران (۴) پدر و فرزندان

۶۶- پسر در مورد چه موضوعی مدتی فکر کرد؟

- (۱) چرا شکارچیان حیوانات را شکار می‌کنند؟
(۳) رزق و روزی حیوانات به دست کیست؟
(۲) چگونه شیر شکار می‌کند؟
(۴) چگونه روباه مریض غذا به دست می‌آورد؟

۶۷- در مورد روباه و شیر کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) شیر مقداری از شکار را خورد و بقیه را رها کرد.
 (۲) روباه چیزی از شکار را نخورد.
 (۳) روباه باقی‌مانده شکار شیر را خورد.
 (۴) شیر بعد از خوردن رفت.
- سَمِعَ الْغَزَالَ الضَّغِيرُ كَلَامَ الْأَسَدِ وَ الدُّثْبِ. إِنَّهُمَا يَتَحَدَّثَانِ وَ يَتَفَاخِرَانِ بِقَتْلِ الْحَيَوَانَاتِ وَ السَّيْطَرَةِ عَلَى الْغَابَةِ. عِنْدَمَا رَجَعَ الْغَزَالُ سَأَلَ أُمَّهُ: يَا أُمَاهُ، عِنْدَمَا يَفْتَحُرُ الْآخَرُونَ بِقُوَّتِهِمْ، فَنَحْنُ بِمَاذَا نَفْتَحُرُ؟
 قَالَتْ الْأُمُّ: نَحْنُ تَحْمَلُنَا صُعُوبَةُ الْحَيَاةِ بِشَهَامَةٍ بَيْنَ هَذِهِ الْوُحُوشِ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً وَلَكِنْ مَا أَنْهَزَمْنَا وَ مَا تَرَكْنَا الْغَابَةَ وَ اكْتَسَبْنَا رِزْقَنَا. هَذَا فَخْرُنَا يَا وَلَدِي فَابْتَسَمَ الْغَزَالُ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ بِافْتِخَارٍ.

۶۸- در سطر اول و دوم، واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب به چه معناست؟

- (۱) گرگ - جنگل - با مادرش - چرا
 (۲) روباه - جنگل - مادرش - چرا
 (۳) گرگ - جنگل - مادرش - به چه
 (۴) شیر - شکار - با مادرش - به چه

۶۹- در سطر سوم، واژه‌های مشخص‌شده به ترتیب به چه معناست؟

- (۱) سختی زندگی - سال‌ها - رها نکردیم - لبخند زد
 (۲) راه‌های زندگی - هفته‌ها - رها نکردیم - لبخند زد
 (۳) سختی زندگی - سال‌ها - چرا ترک کنیم - خندید
 (۴) راه‌های زندگی - هفته‌ها - چرا رها کنیم - خندید

۷۰- در سطر اول و دوم، به ترتیب چند فعل ماضی و مضارع وجود دارد؟

- (۱) سه - سه
 (۲) سه - چهار
 (۳) چهار - چهار
 (۴) چهار - سه

۷۱- در سطر سوم و چهارم، چند فعل وجود دارد؟

- (۱) پنج
 (۲) شش
 (۳) هشت
 (۴) هفت

۷۲- کدام یک از حیوانات، از سیطره بر جنگل سخن می‌گفتند؟

- (۱) آهو و روباه
 (۲) روباه و شیر
 (۳) گرگ و شیر
 (۴) گرگ و روباه

۷۳- کدام حیوان از مادرش در مورد افتخار خود پرسید؟

- (۱) روباه
 (۲) آهو
 (۳) شیر
 (۴) کبوتر

۷۴- اگر بخواهیم عنوانی برای متن بگذاریم، کدام عنوان مناسب‌تر است؟

- (۱) شهامت و دلاوری
 (۲) چگونگی ترک جنگل
 (۳) ظلم و ستم شیر
 (۴) احترام به پدر و مادر

● مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۷۵- در کدام آیه شریفه، جمع مکسر به کار نرفته است؟

- (۱) ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾
 (۲) ﴿الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسُوفَ يُعْلَمُونَ﴾
 (۳) ﴿لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ﴾
 (۴) ﴿قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا﴾

۷۶- مفرد کلمات مقابل، به ترتیب کدام است؟ «الَّذِينَ - هؤلاء - هم»

- (۱) الّٰذِي - هذا - هو
 (۲) الّٰذِي - هذه - هي
 (۳) الّٰتِي - هذا - هو
 (۴) الّٰتِي - هذه - هي

۷۷- مفرد کلمات مقابل، به ترتیب کدام است؟ «أولياء - إخوة - فواکه - أنفس»

- (۱) ولي - أخت - فاکهه - نفس
 (۲) ولاية - أخ - فکه - نفس
 (۳) ولي - أخ - فاکهه - نفس
 (۴) ولاية - أخت - فکه - نفوس

۷۸- مفرد کلمات مقابل، به ترتیب کدام است؟ «زُملاء - رياضیون - مُدَرِّسَتان - سَيِّدات»

- (۱) زمیل - ریاضه - مُدَرِّس - سَيِّده
 (۲) زمیل - ریاضی - مُدَرِّسَة - سَيِّده
 (۳) زمیله - ریاضه - مُدَرِّسَة - سَيِّد
 (۴) زمیله - ریاضی - مُدَرِّسَة - سَيِّد

۷۹- در کدام گزینه اسم مثنی به کار نرفته است؟

- (۱) بنتان
 (۲) مسلمین
 (۳) شجرتین
 (۴) مرأتان

۸۰- جمع کلمات «شجر - صفّ - طالب - بنت» به ترتیب کدام است؟

- (۱) أشجار - صُفوف - طَلّاب - بَنَات
 (۲) شُجيرة - أَصْنَاف - طَلّاب - أَبْیَات
 (۳) أشجار - أَصْنَاف - طَلّبة - بَنَات
 (۴) شُجيرة - صُفوف - طَلّبة - أَبْیَات

۸۱- کدام پرسش و پاسخ درست است؟

- (۱) ماذا على الشجرة؟ السَّيَّارة. (۲) هل هذا زميلك؟ القلم. (۳) أين ذلك الرَّجل؟ في الغابة. (۴) لِمَن هذا المرقد؟ الباب.

۸۲- کدام پرسش و پاسخ نادرست است؟

- (۱) ماذا في هذه السَّاحة؟ الشَّجرة. (۲) متى تلعبين كرة المنضدة؟ في الصَّباح. (۳) كيف حالكَ؟ يا تلميذات؟ نحن بخير. (۴) بِمَ تُسافِر؟ عند الغروب.

۸۳- در کدام گزینه اسم اشاره به کار نرفته است؟

- (۱) هذانِ الوَلدانِ نظيفانِ. (۲) هذه المدرسة كبيرة. (۳) هل جزاء الاحسان إِلَّا الاحسان؟ (۴) هاتانِ الوردتانِ جميلتانِ.

۸۴- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) هذا أَخْتُ صديقي. (۲) تلك الشَّاعرةُ برويُّ. (۳) ذلك الجبلُ مُرتفعٌ. (۴) هذه الشَّجرةُ عجيبةٌ.

۸۵- در کدام گزینه ترتیب حروف الفبا رعایت نشده است؟

- (۱) دال - ذال - راء - زاء - سين - شين (۲) باء - تاء - ثاء - جيم - حاء - خاء (۳) لام - ميم - نون - هاء - واو - ياء (۴) عين - غين - صاد - ضاد - طاء - ظاء

۸۶- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) ثَمَرُ هذهِ الشَّجرةِ الكبيرةِ لذيذٌ. (۲) هؤلاء الأمُّ أمٌ معلِّمةٌ. (۳) ذلك الطَّالِبُ التَّاجِعُ في الصَّفِّ الثَّالثِ. (۴) هذا الولدُ في هذهِ المدرسةِ.

۸۷- کدام واژه می تواند «اسم» باشد؟

- (۱) يَرْفَعُ (۲) كَتَبْتُ (۳) وَرَدَ (۴) ذَهَبَ

۸۸- کدام کلمه مؤنث است؟

- (۱) مِنْ (۲) هُ (۳) لِي (۴) أَنَا

۸۹- به ترتیب، کدام گزینه مناسب جاهای خالی است؟ «ذلك» نظيفٌ. / هاتانِ مسرورانِ.

- (۱) الطَّالِب - المرأتانِ (۲) الطَّالِب - المرأتينِ (۳) الطِّفلة - الطَّالبتانِ (۴) الطِّفلة - الطَّالبتينِ

۹۰- کدام اسم اشاره، به ترتیب مناسب این کلمات است؟ «المسجدانِ - الوردة - الانسانِ - الوالدينِ»

- (۱) هذين - تلك - هذا - هذانِ (۲) هذانِ - هذه - هذا - هاتينِ (۳) هذانِ - تلك - هذا - هذينِ (۴) هذينِ - هذه - هذه - هذينِ

۹۱- جمع اسم‌ها به ترتیب کدام است؟ «حيّ - مُجاهد - سَنَة - هذه»

- (۱) أحياء - مجاهدون - أسنان - هؤلاء (۲) أحياء - مجاهدين - سنوات - أولئك (۳) حياة - مجاهدين - سنوات - أولئك (۴) أحياء - مجاهدون - سنوات - هؤلاء

۹۲- برای کدام گزینه واژه «أولئك» به کار می‌رود؟

- (۱) المفاتيح (۲) اللاعبين (۳) العِبر (۴) الحقائق

۹۳- در کدام گزینه، اسم مؤنث به کار نرفته است؟

- (۱) الدَّهر يومان يومٌ لك و يومٌ عليك. (۲) خير الأمور أوسطها. (۳) تفكّر ساعة خير من عبادة سبعين سنة. (۴) نعمتان مجهولتان الصَّحة و الأمان.

۹۴- در جاهای خالی، گزینه مناسب قرار دهید. «عبّاس و سلمان و ميثم» / أولئك الأولادُ مُمتازونٌ.

- (۱) مسرورين - لاعبينِ (۲) مسرورون - لاعبونِ (۳) مسرورون - لاعباتِ (۴) مسرورات - لاعبونِ

۹۵- در کدام گزینه، جمع به کار نرفته است؟

- (۱) أولئك النساء جالساتٌ عند العالِمات. (۲) في كُتُب القِصص عِبَرٌ للأطفال. (۳) هؤلاء اللاعبون فائزونٌ في مسابقتين. (۴) هاتان هديتانِ غاليتانِ.

۹۶- در کدام گزینه، تمام اسم‌ها جمع نیستند؟

- (۱) حافظون - أحياء - بنات - ناجحين
(۳) صِغَر - هُم - حدائق - شارع
(۲) حَقَاط - كراسي - جالسات - عالمين
(۴) شجرات - علماء - لوحات - شاعرون

۹۷- جمع کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) حقیقه: حقائب (۲) بائع: بائعات
(۳) طالب: طَلّاب (۴) مدینه: مُدُن

۹۸- در کدام گزینه، اسم اشاره به کار نرفته است؟

- (۱) أ أنت جندی؟ (۲) لا، هنا قرية.
(۳) هل هؤلاء جنود؟ (۴) نعم، هناك رجال.

۹۹- مؤنث واژه‌های «الابن - الأخ - هذان - الرجل» به ترتیب کدام است؟

- (۱) البنت - الأخت - الذي - النساء
(۲) البنت - الأخت - هاتان - المرأة
(۳) الأخت - الأخوان - هذين - المرأة
(۴) الأخت - إخوة - هاتان - المرأة

۱۰۰- در کدام گزینه، فعل از نظر زمان با بقیه ناهماهنگ است؟

- (۱) هما جعلتا. (۲) هما يسمحان.
(۳) أنتما تقطعان. (۴) نحن نحرب.

۱۰۱- در کدام گزینه، فعل و ضمیر ناهماهنگ است؟

- (۱) أنتنّ نظرتنّ. (۲) هنّ شرحن.
(۳) أنتمّ سعدتنّ. (۴) أنتما صنعتما.

۱۰۲- در کدام گزینه، فعل از نظر صیغه با بقیه تفاوت دارد؟

- (۱) أخذتم (۲) تأخذون
(۳) لا تكتبوا (۴) أمرتنّ

۱۰۳- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل آمده است؟

- (۱) هم صبرتم. (۲) هنّ عبرن.
(۳) أنا عملنا. (۴) أنتم عرفوا.

۱۰۴- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل نیامده است؟

- (۱) هنّ يطبخن. (۲) أنت تضحكين.
(۳) أنتم تعيشون. (۴) هم نعرف.

۱۰۵- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل آمده است؟

- (۱) نحن يغفرون. (۲) أنت أفتح.
(۳) هنّ يغسلن. (۴) أنتم تفتحن.

۱۰۶- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل نیامده است؟

- (۱) هي قربت. (۲) هما قبلتما.
(۳) نحن قدرنا. (۴) هما فعلتا.

۱۰۷- کدام فعل، مناسب ضمیر منفصل نیامده است؟

- (۱) هنّ تكتمن. (۲) أنت تقذف.
(۳) هي تكتم. (۴) هي تقذف.

۱۰۸- ضمیر منفصل مناسب فعل‌های «نَدَمْتُ - يَنْصَرُونَ - تكذبُ» کدام است؟

- (۱) أنا - هنّ - أنت (۲) أنت - هم - أنت (۳) أنت - نحن - هي
(۴) هي - هم - هي

۱۰۹- کدام یک از ضمیرهای منفصل، به ترتیب مناسب این فعل‌هاست؟ «وصلوا - ما نفعن - نصر»

- (۱) هم - هنّ - نحن (۲) هم - أنتنّ - نحن (۳) هو - هنّ - نحن
(۴) أنتم - أنتنّ - أنا

۱۱۰- در کدام گزینه، شغل به کار نرفته است؟

- (۱) أنت شرطي. (۲) أنا مُدرّسة الكيمياء.
(۳) هو يحبّ الطّعام. (۴) أمي فلاحه مجدة.

۱۱۱- عبارت «مَكَانٌ بِأَكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَالْعِشَاءَ وَالطَّعَامَ» در مورد چیست؟

- (۱) الضيوف (۲) الغابة (۳) الجامعة (۴) المَطْعَم

۱۱۲- عبارت «هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ غَيْرِ دَعْوَةٍ» توضیح‌دهنده چیست؟

- (۱) الشّمس (۲) المَعْلَم (۳) الصّيف (۴) المحافظة

۱۱۳- عبارت «طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِيلَ الصَّوْتِ» توضیح‌دهنده چیست؟

- (۱) الغراب (۲) البلب (۳) الدّئب (۴) الحمامة

۱۱۴- عبارت «رِياضةٌ يَلْعَبُ فِيهَا اِثْنَانِ وَعِشْرُونَ لَاعِباً» در مورد چیست؟

- (۱) كرة السّلة (۲) كرة القدم (۳) الملعب (۴) كرة المنضدة

پاسخ های تشریحی

پاسخ تمارین

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

- ۱- ماذا عَلَى الشَّجَرَةِ؟ الْحَمَامَتَانِ عَلَى الشَّجَرَةِ.
- ۲- هَلْ هَذَا زَمِيلُكَ؟ نعم، هذا زَمِيلِي.
- ۳- أَيْنَ مُسْتَشْفَى بَغدَاد؟ فِي شَارِعِ فَضَالَةِ.
- ۴- لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟ لِعَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.
- ۵- فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ فِي عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ.
- ۶- كَمْ حَافِلَةً فِي الْمَوْقِفِ؟ أَرْبَعُ حَافِلَاتٍ فِي الْمَوْقِفِ.
- ۷- هَلْ هُنَا مَنَاطِقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ؟ نَعَمْ، هُنَا مَنَاطِقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.
- ۸- مَتَى تَلْعَبُنَ كُرَةَ الْمُنْضَدَةِ؟ نَلْعَبُ كُرَةَ الْمُنْضَدَةِ فِي الْمَسَاءِ.
- ۹- يَا تَلْمِيزَاتُ، كَيْفَ حَالُكُنَّ؟ نَحْنُ بِخَيْرٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ.
- ۱۰- بِمَ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ بِالطَّائِرَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

- ۱- ثَلَاثَةٌ - خَمْسَةٌ - سَبْعَةٌ - تِسْعَةٌ - أَحَدُ عَشَرَ
- ۲- الثَّانِي - الرَّابِعُ - السَّادِسُ - الثَّامِنُ - الْحَادِي عَشَرَ
- ۳- الْإِثْنَيْنِ - الْأَرْبَعَاءِ - الْخَمِيسِ
- ۴- الصَّيْفُ - الشِّتَاءُ
- ۵- الْعِشَاءُ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

- ۱- أَنَا مُعَلِّمٌ - أَنَا تَلْمِيزٌ - أَنَا طَبِيبٌ - أَنَا سَائِقٌ ...
- ۲- أَنَا بِخَيْرٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ.
- ۳- أَنَا مِنْ إِيْرَانِ (إِيْرَانِيٌّ).
- ۴- أَنَا فِي الصَّفِّ الثَّانِي.
- ۵- يَبْدَأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ فِي إِيْرَانِ مِنْ شَهْرِ مَهْرٍ (أَوَّلُ فِصْلِ الْخَرِيفِ).

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

- ۱- نَحْنُ نَجْحُنَا.
- ۲- هُمْ يَنْصُرُونَ.
- ۳- أَنْتَ لَا تَكْذِبُ.
- ۴- أَنْتُمْ وَصَلْتُمْ.
- ۵- هُنَّ يَقْدِرْنَ.
- ۶- هِيَ قَرَبَتْ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

- ۱- حَقِيقَةُ (كَيْفٍ) / بَقِيهِ نَامِ شَغْلٍ هَسْتَنْد.
- ۲- عَامِلِ (كَارَكِر) / بَقِيهِ نَامِ مَكَانٍ هَسْتَنْد.
- ۳- لَوْنِ (رَنَگ) / بَقِيهِ اِنْسَانِ هَسْتَنْد.
- ۴- قَوْلِ (كَفْتَار) / بَقِيهِ اِعْضَاءِ بَدَنِ هَسْتَنْد.
- ۵- جَنَّةِ (بِهَشْت، بَاغ) / بَقِيهِ نَامِ حَيَوَانِ هَسْتَنْد.
- ۶- أُسْرَةِ (خَانَوَادِه) / بَقِيهِ كِرَاتِ اَسْمَانِي هَسْتَنْد.
- ۷- ذَهَبِ (طَلَا) / بَقِيهِ بِه زَمَانِ اِشَارِه دَارَنْد.

- ۸- سَحَابِ (اِبَر) / بَقِيهِ مِيَوِه هَسْتَنْد.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

- ۱- كُرَةُ الْقَدَمِ - رِيَاضَةُ ...
- ۲- الْمُحَافَظَةُ (اِسْتَان) - وَارِثَةُ اِضَافِي اِسْت.
- ۳- الْمَطْعَمُ - مَكَانٌ يَأْكُلُ ...
- ۴- الْمَسَاءُ - وَقْتُ ...
- ۵- الْغَابَةُ - اَرْضٌ ...
- ۶- الْغُرَابُ - طَائِرٌ ...
- ۷- الصَّيْفُ - هُوَ الَّذِي ...

التَّمْرِينُ السَّابِعُ

- ۱- ذَهَبَ
- ۲- الْحَجَرِ
- ۳- الْأَمَانِ
- ۴- عَلَيْكَ
- ۵- الْجَاهِلِ

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

- رَخِيصَةٌ - غَالِيَةٌ / بَعِيدٌ - قَرِيبٌ / يَسَارٌ - يَمِينٌ
 بَيْعٌ - شِرَاءٌ / بَدَايَةُ - نِهَايَةُ / بَارِدٌ - حَارٌّ
 خَزَنٌ - فَرْخٌ / قَبِيحٌ - جَمِيلٌ / صَدَقٌ - كَذَبٌ
 قَلِيلٌ - كَثِيرٌ / عَدَاوَةٌ - صَدَاقَةٌ / نَهَارٌ - لَيْلٌ

التَّمْرِينُ الثَّانِي

- مِفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ - شَجَرَةٌ
 مِثْنَايَ مَذَكَّرٍ - فَلَاحَانِ
 مِثْنَايَ مُؤَنَّثٍ - مُدَرِّسَتَانِ
 جَمْعُ مَذَكَّرٍ سَالِمٍ - رِيَاضِيَّوْنَ
 جَمْعُ مُؤَنَّثٍ سَالِمٍ - سَيِّدَاتِ
 جَمْعُ مَكْسَرٍ - أَوْرَاقِ

پاسخ نمونه سوالات امتحانی

- ۱- (۱) قطعاً خداوند به مردم ستم نمی کند، ولی مردم خودشان ستم می کنند.
- ۲) دو نعمت ناشناخته است؛ سلامتی و امنیت.
- ۳) آن، آرامگاه جابر بن حیان، دانشمند شیمی است.
- ۴) دانش آموزان [دختر] کیف هایشان را برمی دارند و به مدرسه می روند.
- ۵) کارهایم را با نام خدا آغاز می کنم و نام خدایم خوشحالی ام را می افزاید.
- ۲- (۱) پُر - دختران
- ۲) تحصیل - شروع می شود
- ۳) می خوانم - پروردگارم
- ۴) گناهان - زبانش
- ۵) حق - بیشتر آن ها
- ۳- (۱) الف) (۲) الف) (۳) ب)
- ۴- (ب) (۵) الف)
- ۴- (۱) می خورد - هیزم
- ۲) هر کس - نادان
- ۳) کسی است که - دوستی
- ۴) قطعاً - گناهان
- ۵) چند - اطراف (پیرامون)

- ۵- (۱) ≠ (۲) = (۳) ≠ (۴) = (۵) ≠ (۶) = (۷) ≠ (۸) = (۹) ≠ (۱۰) =

- ۶- (۱) مُحَافَظَةٌ (استان) / بقیه در مورد درخت است.
 (۲) لَوْن (رنگ) / بقیه اعضای بدن است.
 (۳) غَايَةِ (پایان) / بقیه مربوط به درخت و جنگل است.
 (۴) قمر (ماه) / بقیه نام حیوان هستند.
 (۵) زَمَان (انار) / بقیه مربوط به زمان هستند.
 ۷- (۱) غُرَاب (کلاغ) (۲) كُوْكَب (ستاره)
 (۳) طَائِرَةٌ (هواپیما) (۴) كُرَّة (توپ)
تَوْجِه: واژه «طَبِيبَةٌ: خانم دکتر» اضافی است.
 ۸- (۱) «أَجْمَعُ» مضارع است و بقیه ماضی.
 (۲) «تَأْكُلُ» مضارع است و بقیه ماضی.
 (۳) «حَرَسَتْ» ماضی است و بقیه مضارع.
 (۴) «سَجَدْتُ» ماضی است و بقیه مضارع.
 (۵) «زَادَ» ماضی است و بقیه مضارع.

- ۹- (۱) أَذْكَرُ ← مضارع (۲) كَتَمَ ← ماضی
 (۳) لَيْسَ ← ماضی (۴) يَسْجُدُ ← مضارع
 (۵) يَحْزَنُونَ ← مضارع
 ۱۰- (۱) هِيَ مَا جَلَسَتْ. (۲) هُنَّ عَرَفْنَ.
 (۳) أَتَشْتِي دَهْبَشْتِي. (۴) أَنَا أَسْمَعُ.
 (۵) هُمْ يَكْتُمُونَ.

۱۱-

ماضی	فَرَبْتُ	فَتَحْتُمُ	سَافِرًا
ترجمه	نزدیک شد	گشودید	مسافرت کردند

مضارع	نَلْبَسُ	يَعِيشُونَ	أَصْدُقُ
ترجمه	می پوشیم	زندگی می کنند	راست می گویم

- ۱۲- (۱) نَذْهَبُ (۲) تَطْبُخَانِ (۳) تَكْذِبُ
 (۴) تَذْهَبُونَ (۵) سَافَرْتُ
 ۱۳- (۱) الدَّرَاسِيَّ (۲) الْغُرَابِ (۳) يَوْمَانِ
 (۴) الْمَرْءِ (۵) النَّاسِ
 ۱۴- (۱) هَذِهِ كُتُبٌ. (۲) هُمْ جَلَسُوا تَحْتَ الشَّجَرَةِ.
 (۳) هُنَا أَرْبَعُ سَيَّارَاتٍ. (۴) هُنَّ يَلْعَبْنَ.
 ۱۵- (۱) الْمَسَاءُ: وَقْتُ ... (۲) الْمَلْعَبُ: مَكَانٌ ...

- (۳) الْغَابَةُ (جنگل) / واژه اضافی است. (۴) الْخُمْسُ: جُزْءٌ ...
 (۵) الْخَرِيفُ: فَضْلٌ ... (۶) الْضَيْفُ: هُوَ الَّذِي ...
 ۱۶- (۱) سختی ها (۲) مهربانی (۳) سال
 (۴) نشستن (۵) میز
 ۱۷- (۱) رسیدید (۲) موفق شدیم (۳) نشنیدیم
 (۴) می اندازی (۵) دانش آموخته می شوم

پاسخ سؤالات چهارگزینه ای

- ۱- **گزینه ۲** يَسْجُدُ: سجده می کند / مَنْ: کسی که / الشَّمْسُ: خورشید / القمر: ماه / التَّجُوم: ستارگان / الجبال: کوه ها / الشَّجَر: درخت
 ۲- **گزینه ۴** لَا يَظْلِمُ: ستم نمی کند / شَيْئًا: چیزی، ذره ای / وَلَكِنْ: ولی / أَنْفُسَهُمْ: خودشان / يَظْلِمُونَ: ظلم می کنند
 ۳- **گزینه ۲** أَلَا: هان / أَوْلِيَاءُ اللَّهِ: دوستان خدا / لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ: نه ترسی برایشان هست / وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ: و نه آن ها غمگین می شوند
 ۴- **گزینه ۲** يَأْكُلُ: می خورد / الْحَسَنَات: خوبی ها را / كَمَا: همان گونه که / النَّارُ: آتش / الْحَطَبُ: هیزم را
 ۵- **گزینه ۱** أَعْلَمُ النَّاسِ: داناترین مردم / مَنْ: کسی است که / جَمَعَ: افزود (در این جا بیفزاید) / عِلْمُ النَّاسِ: دانش مردم / عِلْمُهُ: دانش خود، علمش
 ۶- **گزینه ۴** كَالدَّوَاءِ: مانند داروست / قَلِيلُهُ: اندکش / يَنْفَعُ: سود می رساند / كَثِيرُهُ: بسیاریش / قَاتِلُ: کُشنده
 ۷- **گزینه ۲** الْعِلْمُ: دانش / المال: ثروت / يَحْرُسُكَ: تو را حفظ می کند، از تو نگاهبانی می کند. / وَ: در حالی که / أَنْتَ: تو / تَحْرُسُ: نگاهبانی می کنی.
 ۸- **گزینه ۲** درست / **واژه های نادرست:** گزینه (۱): نفع: سود برساند / النَّاسِ: مردم / گزینه (۲): مَنْ: هر کس / كَتَمَ: پنهان کند / گزینه (۴): أَكْثَر خطایا: بیشتر خطاهای / ابن آدم: آدمیان / فِي: در
 ۹- **گزینه ۴** ترجمه سایر گزینه ها: گزینه (۱): کی تنیس روی میز بازی می کنید؟ / گزینه (۲): کی سال تحصیلی در ایران آغاز می شود؟ / گزینه (۳): حاجیان با چه به مگه مکرمه سفر می کنند؟
 ۱۰- **گزینه ۴** ترجمه عبارت ها: گزینه (۱): عجله کردن از (کار) شیطان است. / گزینه (۲): قطعاً خوش پیمانی از ایمان است. / گزینه (۳): تنهایی از همنشین بد بهتر است.
 ۱۱- **گزینه ۲** ترجمه درست: قطعاً نیازهای مردم به شما نعمتی از سوی خداست.
 ۱۲- **گزینه ۴** ترجمه درست: دشمنی انسان عاقل از دوستی انسان نادان بهتر است.
 ۱۳- **گزینه ۲** ترجمه درست: چند صندلی اطراف میز است؟
 ۱۴- **گزینه ۲** ترجمه درست: در آن کمال است، در آن گنج هایی است.
 ۱۵- **گزینه ۴** ترجمه درست: «روزگار دو روز است: روزی به نفع تو و روزی به زیان تو.»
 ۱۶- **گزینه ۴** ترجمه درست: «این دو کوه بلند هستند.»

۱۷- گزینه ۱ ترجمه درست: «این بازیکن‌ها برنده‌اند».

۱۸- گزینه ۱ آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟

۱۹- گزینه ۴ ترجمه درست: «چه کسی معلم زبان عربی است؟»

۲۰- گزینه ۲ ترجمه درست: آیا هتل نزدیک است یا دور؟

۲۱- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): خواندن / گزینه (۲): تحصیل کردن /

گزینه (۳): نوشتن / گزینه (۴): شروع کردن

۲۲- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): کیف / گزینه (۲): میز /

گزینه (۳): تلفن همراه / گزینه (۴): مسواک

۲۳- گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): فارغ‌التحصیل می‌شود. / گزینه (۲):

می‌افزاید. / گزینه (۳): حمل می‌کند. / گزینه (۴): تدریس می‌کند.

۲۴- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): دانشجویان (پسر) / گزینه (۲):

پسران / گزینه (۳): دانشجویان (دختر) / گزینه (۴): دختران

۲۵- گزینه ۲ غالباً = رخیصه

۲۶- گزینه ۴ ترجمه کلمات: غالباً: (گران) - شراء (خریدن) - يمين

(راست) - فَرَح (شاد شد)

۲۷- گزینه ۱ «فواکه» جمع مکسر «فاکها» است.

۲۸- گزینه ۴ ما + ماضی ← ماضی منفی / لا + مضارع ← مضارع

منفی / سوف + مضارع ← مستقبل

۲۹- گزینه ۱ ترجمه درست: نورهای آسمان من

دو اسم که در کنار هم قرار می‌گیرند، معمولاً یا مضاف و مضاف‌الیه

هستند؛ یعنی ترکیب اضافی دارند یا موصوف و صفت هستند؛ یعنی

ترکیب وصفی دارند و این موضوع در همه زبان‌ها وجود دارد و مخصوص

زبان عربی نیست. اگر ترکیب اضافی و وصفی را از جمله حذف کنیم،

فکر می‌کنید دیگر چیزی برای جمله می‌ماند؟! بحث ترکیب اضافی و

وصفی در درس هفتم به صورت کامل بیان شده است.

۳۰- گزینه ۲

۳۱- گزینه ۳

۳۲- گزینه ۴

۳۳- گزینه ۲

۳۴- گزینه ۳

۳۵- گزینه ۴ ترجمه درست: «این ایرانی‌ها رفتند».

۳۶- گزینه ۲ موت: مرگ

۳۷- گزینه ۴

۳۸- گزینه ۲ ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): آیا این کیف مدرسه

است؟ / گزینه (۲): نه، این کیف مسافرت است. / گزینه (۴): بله، آن

درخت انار است.

۳۹- گزینه ۲

۴۰- گزینه ۱ گزینه درست: سربازی دلاور / سرباز دلاوری

۴۱- گزینه ۴ ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نشست / گزینه (۲): نمی‌نشیند /

گزینه (۳): خواهد نشست

۴۲- گزینه ۱ ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): می‌روید / گزینه (۳):

نمی‌روم / گزینه (۴): خواهید رفت

۴۳- گزینه ۴ ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): می‌شناسند / گزینه (۲):

راست گفت / گزینه (۳): نگاه نمی‌کنم

۴۴- گزینه ۲ ترجمه درست: نشنیدیم

۴۵- گزینه ۲ ترجمه درست: می‌پوشیم

۴۶- گزینه ۲ ترجمه: «دانشمند مؤمن مانند رحمت و نور است.»

گزینه (۱): کلاس / گزینه (۲): واجب (دینی) / گزینه (۳): کوه /

گزینه (۴): مدرسه

توجه: بعد از حرف «ک» اسم با کسره می‌آید ← کَالْجَبَلِ - کَالْأَنْعَامِ - کَمَثَلِ ...

۴۷- گزینه ۴ ترجمه: «حمید اسم پسر است و حمیده اسم است.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): دانش‌آموز (پسر) / گزینه (۲): معلم

(آقا) / گزینه (۳): مرد / گزینه (۴): دختر

۴۸- گزینه ۲ ترجمه: «آن درخت بدون میوه است. / در جست‌وجوی

علم بودن واجب (دینی) است.»

۴۹- گزینه ۴ ترجمه عبارت‌ها: «ارزش انسان به عقل اوست. /

«بهترین مردم سودمندترین مردم است.»

۵۰- گزینه ۲ ترجمه: دو - - چهار - - شش -

۵۱- گزینه ۲ ترجمه: دوم - سوم - - پنجم -

۵۲- گزینه ۱ ترجمه: هفتم - - نهم - دهم -

۵۳- گزینه ۲ ترجمه: بهار - تابستان - پاییز - زمستان

۵۴- گزینه ۲ ترجمه: صبحانه، ناهار، شام

۵۵- گزینه ۴ ترجمه گزینه (۴): چهارشنبه - دوشنبه - جمعه

۵۶- گزینه ۳ ترجمه آیه شریفه: «کسی که در آسمان‌ها و زمین هست

غیب را نمی‌داند، مگر خدا.» یا «فقط خدا غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند.»

۵۷- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): خوب‌پرسیدن نصف علم

است. / گزینه (۲): در جست‌وجوی علم بودن واجب (دینی) است. /

گزینه (۳): رنگ‌های پرچم ایران سبز و سفید و سرخ است. / گزینه (۴):

همنشینی با دانشمندان عبادت است.

۵۸- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): دانشمند بدون عمل، مانند

درخت بدون میوه است. / گزینه (۲): آفت و آسیب علم، فراموش کردن

است. / گزینه (۳): ارزش انسان به علم و ایمان است. / گزینه (۴):

نادانی، مرگ زندگان است.

۵۹- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): دشمنی انسان عاقل از دوستی

انسان نادان بهتر است. / گزینه (۲): آفت و آسیب علم، فراموشی است. /

گزینه (۳): نادانی، مرگ زندگان است. / گزینه (۴): خوب‌پرسیدن نصف علم است.

۶۰- گزینه ۲ ترجمه عبارت‌ها: «عشق به وطن از ایمان است.» و

«چه‌بسا سخنی که مانند شمشیر (برنده) است.»

۶۱- گزینه ۲

۶۲- گزینه ۳ فعل‌های سطر اول: أَرْسَلَ - خَرَجَ - شَاهَدَ - وَقَفَ - فَكَّرَ

۶۳- گزینه ۱

۶۴- گزینه ۲ فعل‌های ماضی ← شاهد - قَرَب - أَكَل - تَرَكَ - ذَهَب - حَزَلَ - قَرَب - بَدَأ / فعل مضارع ← يحصل

۶۵- گزینه ۲ أَرْسَلَ رَجُلٌ وَلَدَهُ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِكَسْبِ التَّجَارِبِ: مردی پسرش را برای کسب تجربه به خارج شهر فرستاد.

۶۶- گزینه ۲ شاهد ثعلباً مريضاً فوقف مدّةً وفكّر: «كيف يحصل عَلَى الطَّعَامِ؟» روباه مریضی را دید. پس مدتی ایستاد و فکر کرد: «چگونه او غذا به دست می‌آورد؟»

۶۷- گزینه ۲ براساس متن، بعد از آن که شیر از شکار خورد و بقیه را رها کرد و رفت، روباه شروع به خوردن باقی‌مانده شکار کرد: بعد لحظه ... قرب من الصيد و بدأ بالأكل.

۶۸- گزینه ۲

۶۹- گزینه ۱

۷۰- گزینه ۲ فعل‌های ماضی ← سَمِعَ - رَجَعَ - سَأَلَ / فعل‌های مضارع ← يَتَحَدَّثَانِ - يَتَفَاخِرَانِ - يَفْتَحِرُ - يَنْتَحِرُ

۷۱- گزینه ۲ فعل‌ها ← قَالَتْ - تَحَمَّلْنَا - مَا أَنْهَزْمْنَا - مَا تَرَكْنَا - اِكْتَسَبْنَا - اِبْتَسَمَ - رَفَعَ

۷۲- گزینه ۲ ترجمه دو عبارت اول متن:

آهوی کوچک سخن شیر و گرگ را شنید. آن‌ها با هم سخن می‌گفتند و در مورد کشتن حیوانات و سیطره بر جنگل فخرفروشی می‌کردند.

۷۳- گزینه ۲ براساس متن، آهو از مادرش در مورد افتخار خود پرسید. (عندما رَجَعَ الغزالُ سَأَلَ أُمَّهُ: يا أُمّاهُ، عِنْدَمَا ...)

۷۴- گزینه ۱ با توجه به سخنان آهو و مادرش و زندگی پرافتخار آنان (شکست‌نخوردن و رهان‌کردن جنگل و لب‌خند رضایت آهو) درمی‌یابیم که شهامت و دل‌آوری در برابر سختی‌های زندگی عامل زندگی و افتخار آن‌ها بوده است.

۷۵- گزینه ۲ جمع مکسرهای گزینه‌ها: گزینه (۱): الأمثال / گزینه (۳): خزائن / گزینه (۴): آلهة

۷۶- گزینه ۱ «هؤلاء» اسم اشاره به نزدیک جمع است و هم می‌تواند در مورد مذکر به کار رود و هم مؤنث؛ بنابراین مفرد آن «هذا» و «هذه» هر دو درست است.

۷۷- گزینه ۲

۷۸- گزینه ۲

۷۹- گزینه ۲ «بنتان» مثنای «بنت» / «شجرتین» مثنای «شجرة» / «مرأتان» مثنای «مرأة» / واژه «مسلمین» به دلیل این که روی نون (ن) کسره یا فتحه نیامده، هم می‌تواند مثنی باشد و هم جمع مذکر سالم که البته در این جا جمع به حساب می‌آید، به این دلیل که گزینه‌های دیگر قطعاً مثنی هستند.

۸۰- گزینه ۱

۸۱- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): روی درخت چیست؟ خودرو / گزینه (۲): آیا این هم کلاسی تو است؟ قلم / گزینه (۳): آن مرد کجاست؟ در جنگل / گزینه (۴): این آرامگاه برای کیست؟ در.

۸۲- گزینه ۲ این سؤال و جواب ناهماهنگ است: ترجمه گزینه‌ها: با چه چیزی مسافرت می‌کنی؟ هنگام غروب.

۸۳- گزینه ۳ اسم اشاره در گزینه‌ها: گزینه (۱): هذان / گزینه (۲): هذه / گزینه (۴): هاتان

۸۴- گزینه ۱ شکل درست گزینه‌ها: هذه أخت صديقي (این خواهر دوست من است).

۸۵- گزینه ۲ ترتیب درست گزینه‌ها: صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین ...

۸۶- گزینه ۲ شکل درست گزینه‌ها: هذه الأمّ أمّ معلّمي.

۸۷- گزینه ۲ گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) با توجه به شکل و حرکت کلمات تنها می‌توانند فعل باشند.

يَرْفَعُ (فعل مضارع)، كَتَبْتُ (فعل ماضی)، وَرَدَ (فعل ماضی)، وَلِيَ (فعل ماضی) مطرح‌شده در گزینه (۴) اسم است: ذَهَبَ (طلا)، ذَهَبَ (رفت: فعل)

۸۸- گزینه ۲ بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): مِنْ: از (حرف) / گزینه (۲): هـ (ضمیر و اسم مذکر) / گزینه (۳): كَ (... ت، تو، ضمیر مخاطب مؤنث) / گزینه (۴): أَنَا (من، ضمیر متکلم مذکر یا مؤنث)

۸۹- گزینه ۱ بررسی عبارت: ذلک (اسم اشاره مذکر)، نظیف (اسم مفرد مذکر)، هاتان (اسم اشاره مؤنث مثنی)، مسروران (اسم مؤنث مثنی با الف)

۹۰- گزینه ۲ بررسی: المسجدين (مذکر و مثنی)، الوردة (مفرد مؤنث)، الانسان (مفرد مذکر)، الوالدين (مذکر و مثنی)

۹۱- گزینه ۴

۹۲- گزینه ۲ «أولئك» اسم اشاره است که برای دور به کار می‌رود، البته در مورد جمع انسان و نه غیرانسان. بنابراین گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) چون اسم‌هایی‌اند برای غیرانسان، برایشان «أولئك» به کار نمی‌رود.

توجه: اگر اسمی جمع باشد، ولی جمع انسان نباشد و جمع غیرانسان باشد در زبان عربی، مفرد مؤنث به حساب می‌آید؛ یعنی اسم اشاره آن می‌شود: «هذه» یا «تلك» و فعل و صفت و ضمیر آن نیز مفرد مؤنث می‌آید!

۹۳- گزینه ۱ اسم‌های مؤنث در گزینه‌ها:

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): ها / گزینه (۳): ساعة، عبادة، سنة / گزینه (۴): نعمتان، مجهولتان، الصّحة

۹۴- گزینه ۲ با توجه به این که جمله اول با چند اسم مذکر آغاز شده است، در جای خالی جمع مذکر سالم (مسرورون) می‌آید. در مورد جمله دوم نیز چون جمله با «أولئك الأولاد» که جمع مذکر است آغاز شده، در جای خالی جمع مذکر سالم (لأعبون) مناسب است.

۹۵- گزینه ۴ جمع در گزینه‌ها: گزینه (۱): أولئك، جالسات، العالمات / گزینه (۲): كُتِبَ، الْقِصَصُ، عِبَرُ، الْأَطْفَالُ / گزینه (۳): هؤلاء، اللَّاعِبُونَ، فَائِزُونَ **توجه:** واژه «التساء» مفرد است، ولی معنای جمع می‌دهد. به این کلمات «اسم جمع» گفته می‌شود؛ مانند: قوم، قبیله، شعب، ناس ...

۹۶- گزینه ۲ در گزینه (۳) واژه «شارع» مفرد است.

۹۷- گزینه ۲ بائع (مذکر) ← بائعون / بائعین (مؤنث) ← بائعات

۱۱۰- گزینه ۲ بررسی گزینه‌ها: شرطی (پلیس)، مدرسهٔ الکیما (معلم شیمی)، فلاح (کشاورز)

۱۱۱- گزینه ۴ ترجمه عبارت: «مکانی است که مردم در آن صبحانه و شام و غذا می‌خورند.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): مهمانان / گزینه (۲): جنگل / گزینه (۳): دانشگاه / گزینه (۴): رستوران

۱۱۲- گزینه ۲ ترجمه عبارت: «او کسی است که با دعوت یا بدون دعوت وارد خانه می‌شود.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): خورشید / گزینه (۲): معلم / گزینه (۳): مهمان / گزینه (۴): استان

۱۱۳- گزینه ۱ ترجمه عبارت: «پرندۀ سیاه‌رنگی است که خوش صدا نیست.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): کلاغ / گزینه (۲): بلبل / گزینه (۳): گرگ / گزینه (۴): کبوتر

۱۱۴- گزینه ۲ ترجمه عبارت: «ورزشی است که بیست و دو بازیکن در آن بازی می‌کنند.»

ترجمه گزینه‌ها: گزینه (۱): بسکتبال / گزینه (۲): فوتبال / گزینه (۳): ورزشگاه / گزینه (۴): تنیس روی میز

۹۸- گزینه ۱ اسم اشاره در گزینه‌ها: گزینه (۲): هنا / گزینه (۳): هؤلاء / گزینه (۴): هناك

۹۹- گزینه ۲

۱۰۰- گزینه ۱ در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) فعل‌ها مضارع، ولی در گزینه (۱) فعل به صورت ماضی به کار رفته است.

۱۰۱- گزینه ۲ أنتم (ضمیر جمع مذکر مخاطب) سعدتَن (فعل جمع مؤنث مخاطب). شکل درست: «أنتم سعدتم» یا «أنتن سعدتن»

۱۰۲- گزینه ۴ فعل‌های گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) جمع مذکر مخاطب است، ولی فعل گزینه (۴) جمع مؤنث مخاطب است.

۱۰۳- گزینه ۲ درست سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): هم صبروا / أنتم صبرتم / گزینه (۳): أنا عملت / نحن عملنا / گزینه (۴): أنتم عرفتم / هم عرفوا

۱۰۴- گزینه ۴ شکل درست عبارت: هم يعرفون / نحن نعرف / گزینه ۲ درست سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نحن نغفر / هم يغفرون / گزینه (۲): أنت تفتح / أنا أفتح / گزینه (۴): أنتم تفتحون / أنتن تفتحن

۱۰۵- گزینه ۲ درست گزینه: هما قبلا / هما قبلتا / أنتما قبلتما

۱۰۶- گزینه ۱ درست گزینه: هن يکتمن / أنتن تکتمن

۱۰۷- گزینه ۲

۱۰۸- گزینه ۱